



دوشنبه ۲۰ دی ۱۳۶۴ برابر ۲۰ ژانویه ۱۹۸۶
بیمه ۶۰۰ ریال - سال دوم شماره ۹۱

برنامه اتحاد شوروی برای محو کامل سلاحهای هسته‌ای تا سال ۲۰۰۰

اتحاد شوروی مور اتوریوم یکجانبه انفجارهای هسته‌ای را سه ماه دیگر تمدید کرد

محل سه گانه این برنامه عبارتند از:

* محو نیمی از زرادخانه‌ها هسته‌ای شوروی و آمریکا - خودداری از نظامی کردن فضا - برچیدن همه سلاحهای میان‌برد و کشور از اروپا.

* پیوستن سایر قدرتهای هسته‌ای به روند خلع سلاح - محو سلاحهای تاکتیکی هسته‌ای - قطع آزمایشهای هسته‌ای همه کشورها - ممنوعیت تولید سلاحهای جدید نابودی جمعی.

* محو باقیمانده سلاحهای هسته‌ای و انعقاد قراردادی درباره ممنوعیت تولید آن.

در بیانیه مزبور همچنین آمده است اتحاد شوروی مور اتوریوم یکجانبه خود در زمینه آزمایش سلاحهای هسته‌ای را علی‌رغم پاسخ منفی آمریکایی‌ها دیگر تمدید می‌کند. اتحاد شوروی در برنامه خود نابودی سلاحهای شیمیایی تا سال ۲۰۰۰ را نیز کنج‌انده است.

متن کامل این سند مهم را در صفحات ۱۲ و ۱۳ می‌خوانید.

هفته گذشته، جهان شاهد ارائه یک ابتکار تاریخی دیگر اتحاد شوروی در زمینه صلح و خلع سلاح بود. میخائیل گارباچف، دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی در تاریخ ۲۵ دی‌ماه (۱۵ ژانویه) در بیانیه‌ای، برنامه این کشور برای رهایی بشریت از وحشت نابودی هسته‌ای تا سال ۲۰۰۰ را تشریح نمود، برنامه‌ای که بی‌شک، تنها راه عملی خلع سلاح و تحکیم صلح است.

باتشنج‌فرایی در خلیج فارس، که خواسته آمریکاست مقابله کنیم!

بین المللی بادقت دنبال کردید و در طول هفته گذشته در صدر اخبار رسانه‌های جهان جای داشت.

اما در همین هفته در خلیج فارس نیز تشنج آفرینی جمهوری اسلامی حوادثی را پدید آورد که بر خلاف موارد فوق، به گفته رفسنجانی "رسانه‌های غرب ... از کنار آن ... عاقلانه گذشتند!" در هفته گذشته، نیروی دریایی جمهوری اسلامی هشت کشتی تجارتنی دیگر را توقیف و بازرسی کرد. بازرسی یکی از این کشتی‌ها که آمریکایی بود (در یکشنبه ۲۲ دی‌ماه) دستاویز مورد نظر را به آشوب‌طلبان آمریکایی داد و به دستور پنتاگون بلافاصله ناوهای جنگی آمریکایی را می‌تنگه هرمز در خلیج فارس گردیدند. البته برای آزادسازی کشتی باری ۲۷ هزار تنی آمریکایی، نیازی به کشتی دیگری نبود.

در هفته گذشته در همان حالیکه کانون‌های تشنج در منطقه همچنان ملتهب بود، حوادث تازه‌ای در جهت تشدید تشنج در این منطقه حساس جهانی بروز کرد. تهدیدات و اقدامات مداخله‌جویانه امپریالیستهای آمریکایی علیه مردم و دولت لیبی همچنان با ابعدای خطرناک دنبال گردید. در لبنان آتش‌بس موقت که بدنبال توافقنامه دمشق برقرار گردیده بود، بار دیگر شکسته و درگیریهای خونین با شدت از سر گرفته شد. تعداد ۲۰۰ نفر کشته در طول یک هفته ابعد فاجعه‌بار این درگیری را به نمایش می‌گذارد. علاوه بر این کوششهای آمریکادر بهره‌گیری از ناآرامی‌های پدید آمده در منطقه حساس باب‌المندب نگرانی عمیقی در میان نیروهای صلح و ترقی برانگیخت.

رویدادهای فوق از سوی ناظرین سیاسی

بودجه سال ۶۵، سند ورشکستگی جمهوری اسلامی
در صفحه ۲

چهلین سالگرد تشکیل جمهوری خودمختار کردستان گرامی باد!

این شعله همواره گرم و سوزنده خواهد ماند

عمر جمهوری خودمختار کوتاه بود و نتیجتاً دامنه اقداماتش محدود. اما اهمیت این جمهوری بسیار فراتر از میزان عمر و کرده‌های آن است. جمهوری خودمختار مشعل فروزانی فرا راه جنبش ملی خلق کرد قرار داد، تبدیل به یک منبع الهام شد و نقش عمده‌ای در تعمیق و گسترش جنبش ایفا کرد. در سهای پیروزی و شکست این جمهوری بعداً در جهت‌گیری جنبش ملی تاثیر بسزایی نهاد.

با در هم شکستن خوشبین جمهوری خودمختار به دست رژیم سرسپرده به امپریالیسم شاه - که بقیه در صفحه ۶

دوم بهمن ماه امسال برابر است با چهلین سالگرد تشکیل جمهوری خودمختار کردستان. چهل سال پیش در چنین روزی (۲۲ ربیع‌ثانی) خلق کرد توانست از مبارزات خونین چندین ساله خود بهره‌مند شده و درفش آزادی خود را به اهتزاز درآورد. در این روز تاریخی، مردم کردستان با گردهمایی بزرگ خود، قاضی محمد را به عنوان رئیس جمهور دولت خودمختار کردستان انتخاب کردند و با این اقدام تاریخی تاثیر بسیار مهمی بر روی جنبش ملی خلق کرد و کلیت جنبش ملی - دموکراتیک در ایران و منطقه به جا نهادند.

گزارشی از مبارزات کارگران شیلات جنوب

حرکتهای مختلف اعتراضی آنها صورت گرفت. مسئولین شیلات وانچمن اسلامی با اتکا بر سرنیزه پاسداران مدتها بود فشار بر کارگران را افزایش می‌دادند و حقوق مرسوم آنها را یکی پس از دیگری پایمال می‌ساختند. دوسال پاداش سالانه کارگران بالا کشیده شده بود، عیدی سال گذشته را نپرداخته بودند، پول لباس را می‌خواستند حذف کنند. همگام با این گونه تشدید فشارهای اقتصادی بر کنترل پلیسی نیز افزوده بودند.

کارگران در برابر این همه اجحافات به حرکت جمعی رو آورده و برای احقاق مطالبات صنفی‌شان یک هفته به مسئولین

مامورین اطلاعات سپاه پاسداران روز ۲۸ مهرماه، در جریان مبارزه کارگران شیلات جنوب در بندرعباس برای دستیابی به مطالبات صنفی خود (پاداش سالانه، عیدی سال گذشته، پول لباس و...) دونفر از کارگران این واحد را طبق برنامه از پیش تنظیم شده مخفیانه ربوده و به محل نامعلومی بردند. به دنبال این اقدام، مبارزه کارگران اوج گرفت و ۲۰۰ نفر از آنها در اعتراض به این توطئه سپاه، دست به اعتصاب زدند. کارگران اعتصابی آزادی این دو نفر را برخواسته‌های قبلی خود افزودند. اعتصاب کارگران شیلات در بندرعباس، در ادامه چند ماه

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

اتریش

روزنامه "فولکس اشتیمه" ارگان حزب کمونیست اتریش در شماره نهم ژانویه خود در مقاله‌ای تحت عنوان "گوشت دم توپ سربچی می‌کند" به گسترش مقاومت مردم ایران در برابر سیاستهای جنگ طلبانه رژیم خمینی اشاره کرده و می‌نویسد علیرغم نمایشهای جمهوری اسلامی در خیابانها که طی آن پاسداران و بسیجی‌ها به دستور مقامات، فریاد "جنگ، جنگ، تا پیروزی سر می‌دهند"، مردم ایران و به ویژه جوانان از کمک به جیبه‌های جنگ و شرکت در آن خودداری می‌کنند. فولکس اشتیمه شرحی از وقایع اخیر خلیج فارس نوشته و با توجه به افزایش مداوم حضور نظامی آمریکا در منطقه با استفاده از جنگ ایران و عراق، خواهان پایان دادن به این جنگ شده است.

آلمان فدرال

* "عصرما" ارگان حزب کمونیست آلمان خبری از اعتصابات و سایر اقدامات اعتراضی کارگران در کارخانجات ایران درج کرده و با استناد به گزارشهای "اکثریت" می‌نویسد کارگران با این اقدامات خواستار پرداخت کامل دستمزدهای عقب افتاده خود شده‌اند.

* روزنامه دانشجویی شهر بوخوم مورخ ۲۵ آذرماه با چاپ مقاله بلندی تحت عنوان "کلاس درس در خیابان" به تشریح سیاست‌های ویرانگرانه حکومت واپسگرای خمینی در عرصه آموزش پرداخت و نوشت "حاکمان ایران" کسانی را که هوادار رژیم نیستند از حق ادامه تحصیل محروم می‌کنند به اضافه این که بسیاری از خانواده‌ها اساساً از امکان تأمین هزینه تحصیلات فرزندانشان محروم‌اند. این نشریه همچنین با چاپ تصویر رفیق لطفی مردم را به تلاش برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران دعوت نمود.

سوئیس

نشریه "به پیش" ارگان حزب کار سوئیس مقاله‌ای پیرامون جنگ ایران و عراق منتشر نمود. در مقاله مندرج در ارگان حزب کار سوئیس، به مبارزه مردم ایران علیه جنگ و سیاستهای جنگ افروزان جمهوری اسلامی اشاره شده است.

ایتالیا

روزنامه اونیتا ارگان حزب کمونیست ایتالیا در تاریخ دوم دی ماه به موج جدید اعدام‌ها در ایران اشاره نمود و نوشت: "در هفته‌های اخیر پس از چند سال زندان، محمد رضا غبرایی عضو مشاور هیات سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و مدیر مسئول نشریه کار به اتفاق جهانگیر بهتاجی مسئول انتشارات این سازمان اعدام شده‌اند. این دو برای مدت‌های طولانی تحت شکنجه قرار داشتند.

یونان

روزنامه "ریپوبلیکیتس" ارگان حزب کمونیست یونان در شماره اول دی خود به چاپ خبری پیرامون اعدام سه کادر قهرمان سازمان فدائیان خلق، شیرفانی، لطف الله زاده و شیرودی میادرت ورزیده است. این روزنامه علل اعدام‌های اخیر را انتقام‌گیری خمینی از مبارزه گسترش یافته خلق دانسته است.

لوکزامبورگ

نشریه "تسایتونگ فوم لتز بورگر فولک" ارگان حزب کمونیست لوکزامبورگ در مقاله‌ای پیرامون جنگ ایران و عراق، به مصائب و بلاهای این جنگ پرداخته است. ارگان حزب کمونیست لوکزامبورگ در گزارش دیگری، مبارزات مردم فارس علیه پاسداران را منعکس کرده است.

نروژ

در شماره ۳۰ نوامبر روزنامه "کارگران" ارگان حزب کارگر (سویال دمکراسی) نروژ، مقاله‌ای پیرامون اوضاع سیاسی ایران درج گردید. در این مقاله اوضاع سیاسی ایران تشریح شد و اعدام اعضای رهبری و کادرهای سازمان‌ها و دیگر مبارزینی که برای استقرار صلح و دمکراسی در ایران می‌رزمند بازتاب یافت.

فرانسه

روزنامه "لوموند" در شماره ۱۹ دسامبر ۱۹۸۵ خود، به چاپ اخبار اعدام فدائیان خلق غبرایی و بهتاجی میادرت ورزید. این روزنامه با اشاره به محکومیت رژیم جمهوری اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل و انتشار سند سازمان عفو بین‌الملل مبنی بر وجود هزاران زندانی سیاسی در ایران و اعمال شکنجه‌های هولناک علیه آنان، گوشه‌هایی از جنایات حاکمیت ارتجاع را به نمایش گذاشت.

استرالیا

روزنامه گاردین ارگان حزب سوسیالیست استرالیا در شماره ۱۱ دسامبر خود به درج اطلاعیه نمایندگی سازمان در اروپا در مورد اعدام رفیق محمدرضا غبرایی و رفیق جهانگیر بهتاجی میادرت نموده است.

آمریکا

روزنامه "دنای مردم" که توسط حزب کمونیست آمریکا در غرب آمریکا منتشر می‌گردد در شماره ۲۰ نوامبر خود نوشت:

"محمدرضا غبرایی که توسط رژیم‌های شاه و جمهوری اسلامی زندانی و شکنجه شده بود، در ماه گذشته اعدام شد. غبرایی مدیر مسئول "کار"، ارگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و عضو مشاور هیات سیاسی کمیته مرکزی این سازمان بود...

سوئد

"زن"، نشریه زنان سوئد در آذرماه، ضمن چاپ یک عکس، مطلبی درباره وضعیت رنجبار زنان ایران درج نمود. این نشریه با اشاره به کتاب "از رزم و رنج زنان" نوشته رفیق رقیه دانشگری نوشت: "در زندگی خانوادگی، زن از دیدگاه جمهوری اسلامی همانند برده به حساب می‌آید". نشریه زنان سوئد در پایان به معرفی رفیق دانشگری پرداخت.

هندوستان

* نشریه "عصر جدید" ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست هند، در تاریخ ۱۷ آذرماه به چاپ فراخوانی تحت عنوان "حزب کمونیست هند اعدام‌های ایران را محکوم می‌کند"، پرداخت. عصر جدید با ابراز آندوه از شهادت فدائیان خلق غبرایی و بهتاجی، از افکار عمومی هند خواست "صدای اعتراض خود را علیه سیاست سرکوب و وحشیانه که توسط رژیم ایران اعمال می‌گردد، بلند کنند".

این نشریه همچنین در شماره دیگری، خبر اعدام قهرمانان خلق کرد، فدائیان محمد امین شیرخانی، لطف الله زاده و شیرودی را درج نموده و نوشت: "آنان در سیاه‌چال‌های رژیم جمهوری اسلامی زندانی شده‌اند و تحت غیر انسانی‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفتند و تا آخرین لحظات زندگی به آرمان‌های طبقه کارگر وفادار ماندند."

شماره ۲۷ آذرماه روزنامه محلی حزب کمونیست در ایالت آندراپرادش هند نیز به موج اخیر اعدام فرزندان راستین خلق در ایران اشاره نمود.

* هفته‌نامه "دمکراسی خلق" ارگان حزب کمونیست هند (مارکسیست) در شماره ۱۷ آذرماه خود خبر اعدام کادرها و رهبران اسیر سازمان و دیگر نیروهای انقلابی میهن مارا به آگاهی مردم رسانید و نوشت: "حزب کمونیست هند (مارکسیست) این موج اعدام‌ها و شکنجه‌های وحشیانه مخالفان حکام فئودالی رژیم ارتجاعی ایران را محکوم می‌نماید و این فراخوانی برای افکار عمومی هندوستان است که صدای اعتراض خود را علیه سیاست سرکوب بیرحمانه بلند کنند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی ایران گردند."

* "ژورنال طبقه کارگر" ارگان مرکز اتحادیه‌های کارگری هندوستان مورخ ۱۵ دی‌ماه، بر خواست قطع شکنجه و اعدام، پایان دادن به جنگ ایران و عراق و آزادی کلیه زندانیان سیاسی از جمله زنان تأکید نموده است.

* اخبار اعدام فدائیان خلق در بسیاری از دیگر روزنامه‌های هندوستان منجمله روزنامه پرتاپ، ناشنال هرالد، استیتیزمن، آزادی، ماکول کورال و اخبار امروز، به زبان‌های انگلیسی، اردو و تامیلی نیز بازتاب یافته است.

بودجه سال ۶۵، سند و رشکستگی جمهوری اسلامی

رئوس و محورهای بودجه ۱۳۶۵

قسمت اول

در روز ده آذرماه سال جاری، لایحه بودجه ۷۲۵ میلیارد تومانی سال ۱۳۶۵، از سوی نخست وزیر به مجلس شورای اسلامی ارائه گردید. این لایحه که پیش از آن به تصویب هیات وزیران رسیده بود، در لافاف رنگ و روغن خورده سخنان موسوی، در جلسه همان روز مجلس قرائت شد. گرچه تمامی تجارب سالیان گذشته دلالت بر ریزی در جمهوری اسلامی را نباید اصولاً جدی تلقی کرد، ولی می توان از مفاد و تبصره ها و همچنین آمار و ارقام این بودجه، سیاستهای اقتصادی و اجتماعی رژیم را آشکار گردانید. در این شماره، نگاهی به کلیات بودجه سال ۶۵، به رئوس و محورهای این لایحه خواهیم داشت و در قسمتهای بعدی مقاله، به قیاس اقلام و آمار مندرج در این لایحه با بودجه های مصوب سالیان گذشته مبادرت خواهیم ورزید.

اعتراف صریح

به شکست برنامه های اقتصادی

چند ماهی از های و هوی تبلیغاتی مسئولین و دست اندرکاران رژیم بر سر "اوضاع طلائی اقتصاد"، "اوضاع مطلوب اقتصادی" و ... نمی گذرد. در آن زمان، همه مسئولین ریز و درشت رژیم به صحنه فراخوانده شدند، تا ناپسمانی های اقتصادی و اجتماعی را فروپوشانیده و از اوضاع بسیار مساعد اقتصادی دم بزنند. تبلیغات گوشخراش رژیم، همزمان با حملات عراق به تاسیسات نفتی کشور بود. مادر آن زمان به بحران حاد اقتصادی رژیم در زمینه نیازهای مالی ریالی و ارزی جمهوری اسلامی اشاره کردیم. اینک چندماه از آن تبلیغات گسترده نمی گذرد که موسوی به شکست برنامه های اقتصادی کشور در سال جاری اعتراف می کند. موسوی در سخنان خود پیرامون لایحه بودجه سال ۱۳۶۵، محور اصلی تنظیم این لایحه را "اصرار بر تجمع صرفه جویی و جلوگیری از آسیب رسی به بافت اقتصادی کشور" اعلام نمود.

به راستی چه پیش آمده است که مسئولین جمهوری اسلامی این "محور کلیدی" را برای بودجه سال آتی برگزیده اند با آنکه تنها "ره آورد" رژیم خمینی در سالیان گذشته، ویران

درصد میزان این درآمدها نیز تحقق نیافته است. با این حساب جمهوری اسلامی، ۲۰ درصد و یا یک سوم از آنچه که در بودجه مصوب سال ۶۴ در زمینه درآمد پیش بینی کرده بود، کم آورده است. و این باز بدین معناست که بر بودجه کسری زده سال جاری نیز، رقم هنگفت دیگری به عنوان کسری بودجه افزوده شده است. مادر همان ابتدای سال جاری و حتی پیش از آنکه عراق به تاسیسات نفتی کشورمان حمله کند، در "اکثريت" شماره ۵۹ اعلام کرده بودیم:

"میزان عایدی پیش بینی شده از فروش نفت در بودجه سال ۶۴ نیز حتی بعد از تعدیل ۲۰۰ میلیارد ریالی آن توسط کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، دست یافتنی نخواهد بود."

اعتراف به شکست از سوی مسئولین جمهوری اسلامی، نشانگر صحت ارزیابی های آن زمان ماست. اگر هدف و محور بودجه سال ۶۴، رونق اقتصادی بود و به ورشکستگی اقتصادی در عمل و واقعیت بدل شد، پس نتیجه این بار چه خواهد بود که بقیه در صفحه ۷

کشورمان کار ساز نبوده بلکه حتی باعث افزایش میزان صادرات گشته است!

اما نتیجه این "تأثیرات قهری" چه بوده است؟ موسوی اعتراف دارد که این عوامل موجب شده است که بخشهایی از درآمدهای دولت متحقق نگردند. موسوی میزان این عدم موفقیت را چنین اعلام می کند. در هفت ماهه سال جاری، تنها ۶۱ درصد از درآمد پیش بینی شده نفت تحقق یافته است. همانگونه که پیش از این هم تصریح شد، کاهش درآمد نفت در اقتصاد یک پایه، مساوی یا همراه است با کاهش در دیگر اقلام درآمدی رژیم. در نتیجه در بخش درآمدهای مالیاتی و سایر امکانات درآمدی رژیم نیز مشاهده می کنیم که ۱۷ تا ۲۰

سازی شیرازه پیوسیده شده اقتصاد کشور و بر باد دادن منابع ملی بوده است، اما رژیم همواره در برنامه های اقتصادی خود مدعی بود که قصد دارد اساس اقتصاد کشور را در گرو ساختن رونق و شکوفائی اقتصادی ببار آورد. اینک جدی ترین و اولین مساله در ارزیابی "محور" ناظر بر بودجه سال ۶۵، این است که چرا رژیم، این بار تنها با "شعار" حفظ بافت اقتصادی کشور از آسیب و گزند، پا به میدان گذاشته است؟

رژیم در هراس از آسیب رسیدن به بافت اقتصادی خود است و ایزار غلبه بر این خطر را اصرار بر تجمع صرفه جویی تجویز می کند. اگر این "محور" بیان شده را به زبان مردم برگردانیم، تنها یک معنی دارد. اوضاع اقتصادی و مالی رژیم نه تنها خراب، که اسفناک است. به عبارت دیگر کاهش جدی درآمدهای ارزی رژیم که معلول و محصول کاهش فروش نفت می باشد، تأثیرات خود را بطور جدی بر دیگر حوزه های درآمدی رژیم تحمیل می کند. یعنی هرگاه رژیم چون امروز از فروش نفت عاجز باشد، بطور قطع درآمدهای مالیاتی و ویژه پیش بینی شده نیز تحقق نخواهند یافت. این است تنها و در عین حال اساسی ترین منبع هراس رژیم در زمینه اقتصاد.

در سال جاری نیز رژیم در عرصه اقتصادی، با بن بست جدی مواجه است. رژیم حتی با استقراض هنگفت خود از سیستم بانکی نیز نتوانست هزینه های خود و از جمله هزینه سنگین جنگ را تحمل نماید. درآمدهای پیش بینی شده در بودجه مصوب سال ۶۴، هیچکدام تحقق نیافت. موسوی در مورد علل این عدم تحقق درآمدهای مصوب بودجه سال جاری گفت: "در سال ۶۴، اگر دولت نتوانست از تأثیر حملات دشمن بر منابع صادرات نفتی کشور بکاهد، اما تأثیر قهری این حملات و وضعیت نامطلوب بازار جهانی نفت، موجب عدم تحقق بخش هایی از درآمدهای دولت شد." این موضوع هم بماند که سران رژیم از رئیس جمهور تا رفسنجانی و دیگران همگی حتی تا همین یکی دو هفته پیش مدعی بودند که حملات عراق به تاسیسات نفتی

باتشنج فراپی در خلیج فارس...

پنتاگون مدتهاست که می کوشد باتکیه بر تشنج ناشی از آن، کشورهای جنوبی خلیج فارس را به یک بلوک بندی نظامی بکشاند و آنها و سواحل این منطقه حساس جهان را به محل استقرار پایگاهها و ناوگان های نظامی خود بدل نماید. نظامی گران آمریکایی برای غلبه بر مخالفت های نیرومند مردم منطقه و نیروهای صلح دوست جهان، پیامدهای جنگ ایران و عراق و یلوا آفرینی های جمهوری اسلامی را سستسک قرار داده و گام به گام پیش می آیند. حادثه روز یکشنبه گام تازه ای بود که در این راه از سوی جمهوری اسلامی و آمریکا برداشته شد. این رویداد و پیامدهای آن تنها به سود امپریالیسم آمریکا و به زیان مردم و علیه صلح و ثبات در منطقه و جهان است. ضمن ابراز انزجار و نفرت از این مفسده جویی های امپریالیستی که به منظور حضور هر چه بیشتر در منطقه دریای عمان، تنگه هرمز و خلیج فارس صورت می گیرد و با محکوم ساختن این گونه حرکات اغتشاش طلبانه جمهوری اسلامی، باید همه امکانات را در جهت قطع جنگ ایران و عراق که به سرچشمه اصلی تشنج در منطقه تبدیل شده است، بکار گرفت. در این راه، اراده و توان همه نیروهای صلح دوست منطقه و جهان باماست.

بقیه از صفحه اول،
کسیل این ناوها نبود، زیرا به گفته خیرگزاری ها، دولت ایران تنها پس از دو ساعت آن را به شکلی "مردبانه" ترخیص کرد. اما آشوب طلبان به هیچ رو حاضر نبودند این فرصت طلایی را از دست بدهند. از این رودر حالیکه رسانه های گروهی همه توجه شان را معطوف به دیگر کانونهای تشنج در منطقه، کرده بودند و به نحوی "عاقلاانه" از کنار این ماجرا گذشتند، پنتاگون کامی دیگر در جهت تشنج اوضاع و نظامی کردن منطقه برداشت و اعلام کرد که پس از این نیز ناوهای جنگی آمریکایی به منظور اسکورت کشتی های باری وارد خلیج فارس خواهند شد.

حادثه آفرینی های جمهوری اسلامی قبل از هر چیز با سیاست ناآرام سازی امپریالیسم آمریکا در منطقه انطباق دارد، که جلوه بارز آنرا در هفته های اخیر در لیبی شاهد بودیم. امپریالیست های آمریکایی آرامش و رفع تشنج را به زبان خود می بینند و از هر فرصت و بهانه ای به منظور بحرانی ساختن وضع و گسترش حضور خود بهره می گیرند. پیامدهای جنگ ایران و عراق (که جمهوری اسلامی آن را با ساجت دنبال می کند) برای آمریکا در حکم ماده ای آسمانی است.

حملات هوایی ادامه دارد

در هفته گذشته گزشتته تبلیغات برای اعزام "کاروانهای راهیان کر بلا" و نیز شدت حملات در جبهه‌ها نسبت به هفته‌های قبل کاهش یافت، ولی حملات هوایی همچنان ادامه یافت. عراق اعلام کرد که طرف دو هفته اخیر، ده بار ترمینال نفتی خارک را بمباران نموده و همچنین یک هواپیمای ایران از نوع اف ۴ را سرنگون کرده است. جمهوری اسلامی که خبر سقوط هواپیما را تکذیب کرد، گزارش داد نیروی هوایی به پادگان کولک عراق حمله کرده است.

در ضمن ستاد تبلیغات جنگ اعلام نمود که در هفته گذشته، اولین مانور هوایی جمهوری اسلامی با نام "سلیمان خاطر" با شرکت دهها فروند جنگنده صورت گرفت. مکان و زمان برگزاری این مانور اعلام نشد. فرمانده نیروی هوایی که پیرامون این مانور سخن می‌گفت، مطرح ساخت که هدف از انجام این مانور آمادگی نیروی هوایی برای یک سلسله عملیات گسترده می‌باشد. لازم به تذکر است که رژیم‌های اردو طرف درگیر در جنگ، تهدید به بمباران مناطق مسکونی یکدیگر نموده‌اند.

معافیت تحصیلی گروهی از

دانش آموزان و دانشجویان لغو گردید

سرهنگ رزمجو رئیس اداره وظیفه عمومی طی گفتگویی اعلام کرد که دانشجویان مشمول نیز باید به جبهه اعزام شوند. وی گفت: "اگر سن دانش آموزان و دانشجویان مشمول خدمت به ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۸ سال تمام رسیده باشد و به ترتیب موفق به اخذ مدرک دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس، و دکترا شده باشند، باید خدمت دوره ضرورت را انجام داده و سپس به تحصیل خود ادامه دهند."

رئیس اداره وظیفه عمومی آنگاه سیه‌های از مجازاتهای را که برای مشمولین غایب در نظر گرفته‌اند، ارائه داد. وی همچنین دوره معافیت افراد دیپلمه و یاعادی متولد سالهای ۲۴ تا ۲۷ را که پیش از این مطرح شده بود، لغو شده اعلام کرد.

سفر خامنه‌ای به پاکستان

خامنه‌ای رئیس جمهور روز دوشنبه ۲۲ دیماه، تهران را به قصد پاکستان ترک کرد. خامنه‌ای پیش از سفر به پاکستان در مصاحبه‌ای با خبرنگاران جمهوری اسلامی، مطرح ساخت که موضوع اصلی این دیدار، بسط و گسترش مناسبات دو رژیم، بررسی مسائل جهان بطور اعم و مسئله افغانستان و افغانستان هند بطور اخص می‌باشد. از سوی دیگر ضیاء الحق قبل از سفر خامنه‌ای در مصاحبه‌ای با صدا و سیما جمهوری اسلامی شرکت کرد و رژیم جمهوری اسلامی را "قهرمان اسلام" نامید.

انعکاس سفر اوزال در نشریات ترکیه

نشریات ترکیه، در بررسی سفر اوزال به تهران، محور اصلی گزارشات خود را مناسبات بازرگانی دو کشور قرار دادند. روزنامه

"گون آیدن" ضمن چاپ عکسهایی از ملاقات اوزال با مسئولین جمهوری اسلامی، مقاله‌ای تحت عنوان "دوستی مستحکمتر شد" چاپ نمود و در روزنامه‌های "جمهوریت" و "ملیت" نیز مقالاتی پیرامون "تجارت سودمند با ایران" درج گردید. روزنامه "ملیت" مقاله خود را با این عنوان که "تجارت با ایران به اهداف رکوردی رسید" به چاپ رسانید. روزنامه "دنیا" نیز درباره رضایت خاطر سرمایه‌داران بخش خصوصی ترکیه از نتایج این سفر ثروت و اعلام نمود مسئولین شرکتهای بخش خصوصی که همراه تورکوت اوزال به ایران سفر کرده بودند، کاملاً راضی و بدست بر از ایران بازگشتند.

لازم به تذکر است که حجم مبادلات بازرگانی دو کشور از سه میلیارد دلار هم گذشته است.

اعتراف نبوی به زیانبار بودن تمامی
قراردادهای بازرگانی جمهوری اسلامی

بهراد نبوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای به اظهار نظر پیرامون قراردادهای اقتصادی سه میلیارد دلاری ترکیه و ایران پرداخت، وی در سخنان خود فاش ساخت که تاکنون جمهوری اسلامی در انعقاد قراردادهای اقتصادی ملاحظات و مصلحت اندیشی‌های سیاسی را مد نظر داشته است. با این اعتراف آشکار می‌شود که تاکنون تمام قراردادهای بازرگانی جمهوری اسلامی با طرفهای اصلی در تجارت خارجی به زیان ایران بوده است. بهرآد نبوی هم چنین اعتراف کرد که جمهوری اسلامی تاکنون کالاهای "کشورهای دیگر" را از طریق واسطه‌گری ترکیه خریداری می‌کرده است. وی اعلام داشت در قرارداد اخیر ۹۰ الی ۹۵ درصد صادرات ترکیه به ایران از بنجل‌های ساخت این کشور خواهد بود. این اظهارات نبوی بدین معنی است که جمهوری اسلامی از این پس بدون واسطه‌گری ترکیه تمامی کالاهای مورد نظر را خود مستقیماً از "کشورهای دیگر" در آمریکا و اروپا تهیه خواهد کرد.

دولت از انجام تعهداتش در برابر
بیمه شدگان سر باز زد

دکتر مرندي وزیر بهداشت و درمان طی گفتگویی با یکی از روزنامه‌های دولتی، ناکزیر به اذعان به برخی از واقعیات پیرامون اوضاع آشفته پزشکی و درمان گردید. وی گفت دولت اعتبار لازم برای این وزارتخانه را تامین نمی‌کند، از اینرو به‌طور مرتب سطح ارائه خدمات این وزارتخانه کاهش می‌یابد. وی افزود که "اطباء" دفترچه بیمه مردم را نمی‌پذیرند."

دکتر مرندي که روز ۱۸ دیماه برای پاسخگویی به پرسشهای نمایندگان، به مجلس شورای اسلامی آمده بود، اظهار داشت: "در حالیکه هزینه بیمه یک فرد بالغ بر ۱۲۰ تا ۱۵۰ تومان برآورد شده است، دولت تنها در حد ۴۵ تومان تامین اعتبار نموده است." این واقعیت را یکی از نمایندگان مجلس نیز بدین گونه بیان نمود: "درمان مجانی را ما الان از کارگر پول می‌گیریم. یعنی از درمانگاه دولتی که در تمام سیستم کشور مجانی است و باید خدمات مجانی بدهد، مادر اینجا از کارگر پول می‌گیریم و یکی هم

پولی است که از حقوقش کسر می‌شود و... بعد هم درمان وجود ندارد."

دکتر مرندي هم چنین پرده از روی طرحهای تازه رژیم برای اخذی بیشتر از مردم در امر درمان برداشته، فاش ساخت که وزارتخانه فوق در صدد است تعرفه‌های جدیدی در رابطه با درمان تهیه کرده و چون دولت از تامین اعتبار آن عاجز است، لذا بار این هزینه نیز بر دوش مردم خواهد بود.

سازمان زندانها تاسیس می‌شود

حبیبی وزیر دادگستری جمهوری اسلامی اعلام کرد بر اساس لایحه‌ای یک فوریتی، شورای سرپرستی زندانها به سازمان زندانها بدل خواهد شد. وی گفت "شورای سرپرستی زندانها، اسم بی‌مسئله بوده برای اینکه اختیارات لازم را، خصوصاً مسائل اداری و بودجه‌ای در اختیار نداشته است." وزیر دادگستری جمهوری اسلامی افزود که در تمام این مدت زندانهای کشور توسط "دستگاههای دیگری" اداره می‌شد. وی همچنین اظهار داشت که اطلاعات لازم را در اختیار "برادرها" گذاشته و در کمیسیون بودجه هم صحبت شده است تا از این طریق با تاسیس سازمان زندانها، اداره و "اقدامات تأمینی و تربیتی کشور" بر عهده این سازمان قرار گیرد.

در جمهوری اسلامی مسئولین متخلف

ارتقای می‌یابند

حجت الاسلام محصل همدانی قائم مقام سازمان بازرسی کل جمهوری اسلامی فاش ساخت که بسیاری از کارمندان و مسئولین جمهوری اسلامی که محکومیت آنها در محاکم قضائی ثابت شده است، نه تنها از کادری پرسنل اداری ارگانهای دولتی و وزارتخانه‌ها برکنار نمی‌شوند، بلکه ارتقا نیز می‌یابند. این خبر با آنکه خبر تازه‌ای نیست، ولی اعلام آن از سوی یکی از مسئولین جمهوری اسلامی تازگی دارد.

تورس از برگزاری مسابقه فوتبال
در اهواز

فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی اعلام کرد که مسابقه میان دو تیم منتخب تهران الف و منتخب خوزستان که در مرحله نیمه نهایی مسابقات فوتبال دسته اول "لیگ قدس"، قرار بود روز ۲۰ دیماه در اهواز برگزار شود، برای مدت نامعلومی به تعویق افتاده است. لازم به تذکر است که در ماه گذشته در جریان انجام مسابقه فوتبال بین تیمهای خوزستان و کرمان در اهواز تظاهراتی علیه مسئولین مملکتی صورت گرفت که خبر آن در شماره ۸۹ "اکثریت" آمده بود. مسئولین رژیم که از تکرار حوادث ورزشگاه اهواز در هر اسناد، مسابقه فوق الذکر را برای مدت نامعلومی به تعویق انداخته‌اند و چاره‌اندیشی می‌کنند.

اخبار کوتاه

* تورکوت اوزال پیش از ترک ایران، در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی بار دیگر بر تعهدات ترکیه در برابر آمریکا تأکید کرد و در پاسخ به پرسش یک خبرنگار درباره تاسیس نهایگاه

پیروزی کارگران در نیروگاه اهواز

در اواخر آبان ماه از سوی وزارت نیرو بخشنامه ای برای نیروگاههای سراسر کشور فرستاده شد. طبق مفاد این بخشنامه برای ساعات کار در نیروگاههای کشور سه شیفت هشت ساعته مقرر گردید. با اطلاع کارگران از این تصمیم موجهی از اعتراض در کلیه نیروگاهها بر پا شد. زیرا در گذشته کارگران در دو شیفت دوازده ساعته کار می کردند و در ازای هر روز کاریک روز نیز استراحت داشتند. بدین ترتیب در هر ۴۸ ساعت ۱۲ ساعت کار می کردند که متوسط آن روزانه ۶ ساعت می شد. در حالیکه با طرح تازه و شیفت کار ۸ ساعته در مجموع دو ساعت بر ساعات کار کارگران افزوده می گردید. کارگران اعلام داشتند بهیچ رو طرح تازه را نخواهند پذیرفت. اما مقامات مسئول در تحویل آن ساجت کردند و در ماه گذشته در نیروگاه اهواز طرح تازه را به اجرا در آوردند. واکنش کارگران فوری بود. کارگران تصمیم گرفتند که نه فقط در پایان شیفت ۸ ساعته نیروگاه را ترک نکنند بلکه با پایان ساعت کار سابق نیز همچنان به حضور در محل کار ادامه دهند. این شکل اعتراض در حکم تحصن جمعی کارگران بود و مسئولین را به وحشت انداخت. بویژه اینکه در همان زمان در دیگر نیروگاههای کشور نیز حرکتی در حمایت از کارگران نیروگاه اهواز صورت گرفت. مدیریت کوشید با تهدید کارگران مقاومت آنان را درهم شکند. بدین منظور حکم اخراج عده ای از کارگران مبارز و کارگران پیمانی را صادر کرد و اعلام داشت تمامی متحصنین را اخراج خواهد کرد. علاوه بر این گروهی از کارگران توسط ارگانهای سرکوب دستگیر شدند. اما این تهدیدات ره به جایی نبرد و حرکت اعتراضی کارگران چندین روز ادامه یافت. در برابر کارگران متحد و مصمم، مسئولین راهی جز پذیرش شکست نداشتند و به ناچار اجرای طرح معلق گردید.

نظامی آمریکا در سالهای اخیر در خاک ترکیه اظهار داشت: "ترکیه به عنوان عضوی از اعضای پیمان ناتو به تعهدات خود در این زمینه عمل می کند. و در خارج از این چهارچوب دست به هیچ اقدام دیگری نخواهد زد."

* فرستاده ویژه نخست وزیر ژاپن با هاشی رفسنجانی ملاقات کرد. موضوع ملاقات طرفین گسترش مناسبات اقتصادی دو کشور و همچنین مهیا ساختن شرایط برای سفر "شینتارو آبه" نخست وزیر ژاپن به تهران اعلام شده است.

* حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهوری وارد تانزانیا شد.

* وزیر امور خارجه هند به منظور یک مسافرت رسمی در هفته گذشته وارد تهران گردید و با موسوی نخست وزیر ملاقات نمود.

* هیاتی از مقامات فرانسوی که به سرپرستی "ژاک مارتن" به تهران آمده بودند، پس از یک سری مذاکره تهران را ترک کردند. در پایان ملاقات این هیات با مسئولین جمهوری اسلامی گفته شد که مذاکرات طرفین ماه آینده ادامه خواهد یافت.

دفاع پرسنل مبارز نیروی دریایی از حقوق کارگران

چندی پیش در پادگان نیروی دریایی بندرعباس، کارگران قراردادی را مجبور به پذیرش قرارداد تازه ای کردند. در قرارداد تازه بسیاری از حقوق کارگران زیر پا نهاده شد. این امر با اعتراض آنان روبرو گردید. پرسنل نیروی دریایی مستقر در این پادگان به پشتیبانی از کارگران برخاستند و با آنها همدردی نمودند. کارگران معترض که از همراهی پرسنل این پادگان برخوردار بودند، دست به یک حرکت اعتراضی زدند که با واکنش فوری فرماندهان و مقامات مسئول مواجه گردید.

مسئولین ارتشی که از حمایت پرسنل مبارز از کارگران معترض وحشت زده شده بودند، برای جلوگیری از تکرار آن چند روز بعد نامه ای محرمانه برای قسمت های تابعه فرستادند و طی آن خواستار شدند که در صورت بروز موارد مشابه پرسنل مبارز به دادگاه نظامی سپرده شوند.

متن نامه ای که به همین منظور از سوی فرمانده جندسی و تاسیسات منطقه یکم نیروی دریایی صادر شده است، چنین می باشد:

۱- طبق اطلاع واصله در بعضی از پست ها هنگام قرائت قرارداد جدید کارگران موقت، تعدادی از پرسنل روزمزد و باکادر اقدام به تحریک کارگران در جهت عدم انعقاد قرارداد و استعفا نموده که منجر به یک سری اغتشاش در پست گردیده است.

۲- با توجه به شرح بالا و اینکه اغتشاش بطور اعم در ارتش جرم محسوب شده و بخصوص در این موقعیت حساس جنگ تحلیلی دستور فرمائید به منظور جلوگیری از هر گونه بی نظمی و عدم تکرار چنین مواردی، در صورت مشاهده آنچه که در بند ۱ ذکر شده است، مراتب را صورت جلسه و نفر خاطی اعم از آنکه روزمزد و یا کادر باشد، معرفی تا برابر قانون به دادگاه نظامی تحویل گردد.

* در هفته گذشته هیات اقتصادی بازرگانی تایلند وارد تهران شد. موضوع ملاقات این هیات با مسئولین جمهوری اسلامی، گسترش مناسبات اقتصادی طرفین قید شده است. لازم به تذکر است که تایلند یکی از عمده ترین صادر کنندگان برنج به جمهوری اسلامی می باشد. اما با وخیم شدن وضع ارزی جمهوری اسلامی، گفته می شود که مسئولین جمهوری اسلامی می کوشند تا همتای تایلندی خود را متقاعد سازند که در برابر دریافت نفت، برنج و دیگر مواد غذایی به جمهوری اسلامی صادر کنند.

* جمهوری اسلامی پس از ۱۲ ماه هواپیمای ربوده شده کویتی را به این کشور پس داد.

* هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه ۲۷ دیماه اظهار داشت که دیدار خامنه ای از پاکستان برای جمهوری اسلامی اهمیت ویژه ای دارد و گفت: "این سفر در تاریخ دیپلماسی بی سابقه است. این سفر آنقدر مهم بود که حوادث دیگر را تحت الشعاع خود قرار داد." رفسنجانی نتیجه این سفر را نشانه صدور انقلاب اسلامی دانست.

بیورش مامورین کمیته بندرعباس به اجتماع کارگران

در آبان ماه، مامورین کمیته های بندرعباس به اجتماع ۷۰ تن از کارگران شهرداری این شهر بیورش برده و ضمن ضرب و جرح آنها، عده ای را نیز دستگیر کردند.

این کارگران که هر یک بیش از ۲ سال سابقه کار دارند، در آبانماه بنا به تصمیم شهرداری بندرعباس از کار اخراج شدند. به هنگام اخراج، حقوق و مزایای ۷ ماهه سال جاری آنها را نیز پرداخت نکردند. در همین ماه، کارگران برای اعتراض به تصمیم شهرداری و گرفتن حقوق و مزایای معوقه خود، دسته جمعی به شهرداری مراجعه کرده و خواستار لغو حکم اخراج و دریافت حقوق خود گردیدند. اما شهردار از قبول خواسته کارگران به بهانه کمبود بودجه امتناع ورزیده و از آنها خواست که متفرق شوند. کارگران نپذیرفتند. در پی تماس تلفنی شهردار با کمیته، پاسداران سر رسیده و به جان کارگران افتادند. آنها بعد از ضرب و شتم کارگران، جمعی را نیز با خود بردند.

پیروزی اعتصاب کارگران پشمبافی اصفهان

در کارخانه پشم بافی اصفهان واقع در چهارباغ بالا، انجمن اسلامی مسئول نظارت قسمت زنان را برکنار کرده و بجای وی یکی از اعضای خود را به این سمت می گمارد. نفرت کارگران نسبت به انجمن اسلامی، باعث گردید که آنان در برابر این جایجایی واکنش نشان دهند. کارگران اعلام داشتند که به هیچ وجه مسئول تازه را نخواهند پذیرفت. کارگران در مقابل بی اعتنائی مسئولین نسبت به این خواست مجرور، دست از کار کشیدند و اعلام اعتصاب کردند. اعتصاب در همان روز به پیروزی رسید و مسئول جدید برکنار شد.

ضبط بخشی از حقوق آموزگاران

در سال گذشته، گروهی از آموزگاران بخش طارم زنجان بعد از پنج سال کار، یک گروه ارتقا شغلی گرفتند. و به ازای آن مبلغی بر حقوق ماهانه آنان افزوده شد. اما در همراه سال جاری، پرداخت این مبلغ قطع گردید و به آموزگاران گفته شد که بخاطر عدم تصویب بودجه مربوطه پرداخت مبلغ فوق (مبلغ اضافه شده) مقدور نیست. علاوه بر این همراه نیز مبلغ ده هزار ریال از حقوق معمولی شان بخاطر استهلاک مبلغ دریافتی در سال گذشته از بابت ارتقا گروه، کم کردند. این اجحاف و تحمیل با اعتراض این دسته از معلمان روبرو گردید. ولی این اعتراضات تاکنون به نتیجه نرسیده است.

اعتصاب کارگران برای کسب دستمزد ماهانه

در شرکت مانا، برای مدت سه ماه، مسئولین از پرداخت حقوق ماهانه کارگران امتناع ورزیدند. کارگران که برای دریافت حقوق خود، همه اقدامات پیشین را بی اثر یافتند، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که به پیروزی رسید، مدیران شرکت را ناگزیر از پرداخت همه حقوق معوقه کارگران نمود.

چهلمین سالگرد تشکیل جمهوری خودمختار کردستان گرامی باد! این شعله همواره گرم و سوزنده خواهد ماند

بقیه از صفحه اول بخشی از روند سرکوب جنبش ملی - دمکراتیک در ایران بود. کتاب جنبش ملی کردستان بسته نگذرد و تنها فصل دیگری از آن آغاز شد: فصل آتش در زیر خاکستر. این آتش بارها زبانه کشید و با شعله‌هایی همچون شریف زاده و معینی فرزندکی و سوزندگی خود را عیان ساخت. بالاخره شعله‌ها دامن گسترده و بعد از انقلاب ۵۷ سراسر کردستان را دربر گرفتند.

ارتجاع مجسم در قالب رژیم جمهوری اسلامی بسیار کوشیده است جنبش ملی در کردستان را سرکوب سازد. این رژیم با کینه‌ای حیوانی به خلق کرد حمله ور می‌شود. دیده ایم که چگونه بر شهرها توپ و خمپاره می‌ریزد و روستاها را به موشک می‌بندد. اکنون بیش از شش سال است که کردستان سرکوب می‌شود اما از پا نمی‌افتد. ارتجاع در این زمینه نیز تاریخا کوندتر از آن است که دریابد این جنبش با وحشیانه‌ترین نوع سرکوب نیز از پا درآمدنی نیست. آفتنای موقتی جنبش ملی خلق کرد چه در ایران و چه در ترکیه و عراق بارها از سوی مرتجعین شوونیست به عنوان پایان عمر این نهضت جشن گرفته شده است اما هر بار خنده‌های پیروزی دشمنان با اوجگیری دوباره خروش خلق به آه و افسوس تبدیل شده است. در برابر سرکوبگران جمهوری اسلامی که با بکارگیری همه اشکال فریب و سرکوب (به خیالی باطل)

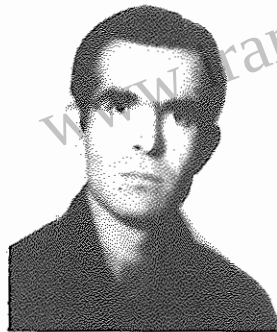
می‌خواهند جنبش ملی کردستان ایران را مغزوری و ریشه کن سازند، خلق کرد نشان می‌دهد که در راه دستیابی به خودمختاری از بذل هیچگونه فداکاری دریغ نمی‌ورزد و با بهره‌گیری از تمامی اشکال ممکن مبارزه همچنان قاطع و مصمم می‌رزد. پیوند میان جنبش ملی کردستان و جنبش سرتاسری علیه رژیم جمهوری اسلامی با تحکیم مناسبات میان کلیه نیروهای ملی و دمکراتیک ایران مستحکم‌تر خواهد شد. با پیروزی جبهه نیروهای ملی و دمکراتیک و براندازی رژیم جمهوری اسلامی راه خلق کرد برای دستیابی به آزادی تاریخی‌اش هموار می‌شود تا این خلق بتواند "۲۰ ریشه‌ندان" را در کردستانی خودمختار جشن بگیرد.

ریشه‌ندان و شاعیر

ریشه‌ندان! دیسان هاتیهوه - سرمان
په‌قمان هه‌لینی دیسان له‌سه‌ریان
به‌سۆزی زریان بیای ده‌کە ی سـ
به‌کەپووه و باکووت ناهه‌ل ده‌کە ی قـ
له‌به‌ر په‌ساران هه‌له‌ده‌نێ ی پـووه
پرووشه و مز و که‌په‌سه‌که‌ت
نه‌ب و تومان و هه‌وا یسه‌که‌ت
په‌یهوه هه‌زار نازار و ناهو
کوژخه و هه‌لامه‌ت، له‌رز و چه‌ق و چه‌و
که‌نو ته‌شریفی ناهه‌ریف دینی
دلی گه‌ل کورد داده‌خوریتی
مانشین و پینگای نیسانی نیه
به‌وسارد و سووله‌عیلاجی جیه
به‌هه‌چه‌ه‌چی که‌رێ چۆن باری
لادنی کوردی ده‌گاته‌ناری ؟

برقراری حکومت خودمختار در کردستان چهل سال است که یکی از مطالب الهام شاعران و هنرمندان کرد به شمار می‌رود. ما به مناسبت فرا رسیدن ۴۰ بهمن، چهلمین سالگرد تشکیل جمهوری مهاباد، شعری را که "همین" شاعر برجسته خلق کرد در زمان استقرار این جمهوری در ستایش از آن سروده است، در اینجا درج می‌کنیم. این شعر گفتگوی شاعر است با ماه بهمن که برای خلق کرد سبیل جمهوری است و اینکه هم سبیل جمهوری خودمختار است و هم انقلاب سرتاسری. در پایان متن کردی و در زیر ترجمه آزاد شعر "همین" در گرامی داشت ۲۰ ریشه‌ندان درج شده است.

در چهلمین سالگرد ۲۰ ریشه‌ندان یاد فرزندان دلیر خلق کرد، فدایی خلق محمد امین شیرخانی گرامی باد!



پیامی نوای یوشه میدی وه‌تن شیوه‌ن و کرین
نامرینه واته وله‌دلی میله‌تاته‌ژین

بر شهیدان وطن نمی‌بایست گریست
چرا که آنان نمرده‌اند و در قلب ملت زنده‌اند

بهمن ماه و شاعر

شاعر:

دوباره باز گشتی ای بهمن ماه!
با آن همه سوز سرمایت
سرمایت کر ختمان می‌کند
بوران و کولاکتان بی‌توشه مان می‌سازد
راه‌ها را سد می‌کنی
و درد امانه‌ها، بهمن‌ها را به غلتش در می‌آوری
دوباره باز گشتی باریز شاموز و نت، مه و کولاکت
باد سوزنده، توفان و هوای آشفته است
نفس بیمار است
باتوتب است و لرزیدن و چاژیدن
آنگاه که سرمی‌رسی
دل هر کردی از هراس می‌لرزد
در اینجانه ماشینی داریم، نه جاده آسفالته ای
دستمان در برابر سرما بسته است
با اسب و قاطر، روستایی ما

بهمن ماه:

شاعر، چرا به خانه خرابان و وازدگان می‌مانی؟
دیوانه ای، خواب آلوده ای، چشم بر جهان بسته ای؟
مگر نمی‌بینی که در جهان چه می‌گذرد؟
مگر نشنیده ای که چه پیش آمده است؟
چرا علیه من زبان به طعنه می‌گشایی
مگر نمی‌دانی ای بی‌خبر که من امسال
همراه باد جنوبی برایتان آزادی آوردم
و همراه باد شمالی، شادی؟
نسیم من که وزیدن گرفت

شاعر:

باد فقر و ستم را فرو نشاند
طوفان به پا کردم، اما همراه این باد و کولاک
آرزوی همیشگی کرد را نیز بر آوردم
در روزی از روزهای من
خلق کرد با سر بلند، پرچم جمهوری را برافراشت
اکنون دیگر روزگار کردهاست
کرد رنگ آلودگی را به چشم می‌بیند
جان من فدای تو باد ای بهمن ماه
که چنین خجسته باز آمدی!
قدمت مبارک باشد
و نوروز در قدمت
روزهای تو، روزهای جشن بزرگ ماست
نام تو، درمان همه دردهای ماست
شادمانیم که امسال، بهار ما در زمستان سر بر آورده
است
مرگ بر دشمنان کرد و کردستان!

هزار لایه‌های پرتو و زنده‌ی

کود و زنده‌ی ده‌گانه‌ی

سرد ده‌تیره‌ی پیر و نوجوان

پیر و پسر و پسر و پسر

به‌خیر نه‌هانی مانگی مز و تم

دینی یو تیره گه‌لک دزد و خم

ریشه‌ندان :

شاعر مال‌شیراو یو دزد دام‌سوی

گیزی ، خه‌والتووی ، شتی خه‌رفاوی ؟

یوچی تو شاکات له‌دنبا نیه ؟

یوچی نازانی دبه‌ک و پلس جیه ؟

یو به‌من ده‌لای قسه‌ی سویر و تال

یوچی نازانی یو خه‌بهر ! نه‌وسال

زرباتم هتای یو کورد نازادی

شمالم هتای یو تیره نادی

مزی من هتات و مزی مه‌زادی

په‌واند به‌کجاری له‌کورد‌ه‌واری

به‌که‌پسیه و پروونه و سبخوار

تاوانی کۆنی کورد هتای خوار

له‌پۆزی مندا کورد به‌پروووری

هه‌لای یو زاردوه په‌نیس جه‌پووری

جا نه‌وجار باوی کوردی دیتوه

تا سووده ده‌بئی ، ده‌حه‌تیره‌وه

شاعر :

گیانی شاعیرت ده‌کم به‌فوریان

وا هاتووی نه‌وسال مانگی پیه‌ندان !

ده‌ک به‌خیره‌هانی قه‌ده‌مت پی‌وژ

به‌فوریات یو جیره‌ک‌ه‌ی نه‌و‌o

پۆزی تو جیره‌نی گه‌ورده‌ی کوردانه

ناوت دهرمانی زان و دهردانه

نه‌وسال به‌هه‌اره یو تیره زستان

به‌ریی دوژمنی کورد و کوردستان

هه‌واری کرمانیله - ۱۳۲۵

کماهای مالی رسیده

KATRIN از برلین
شادی از واشنگتن دی. سی
"درو به رفیق قهرمان شسی"
۲۰ مارک
۲۵۰ دلار
۵۳۵ دلار

هزینه چاپ این شماره "اکثریت" را

یک پزشک و یک دانشجوی فدایی از سوز

تأمین کردند

بودجه سال ۶۵

بقیه از صفحه ۲

هدف و محور بودجه نه رونق بلکه حفظ وضع موجود اعلام شده است. به رؤس بودجه سال ۶۵، نگاهی بیافکنیم.

پیش و پیش از هر چیز جنگ

می‌توان با صراحت تمام گفت که جنگ و هزینه‌های مربوط به آن، تنها قلمی از بودجه سال ۶۴ بود که بیش از آنچه تصویب شده بود، مورد لطف سران رژیم قرار گرفت. موسوی در این باره گفت: "بودجه جنگی بیش از بودجه مصوب هزینه شده است." و این همه در حالی است که بخش اعظم بودجه کل جمهوری اسلامی به امر جنگ اختصاص دارد. رژیم برای سال آتی نیز، با آنکه بودجه جاری کشور یک درصد نسبت به سال ۶۴، افزایش دارد، ۱۵ درصد به هزینه‌های نظامی و انتظامی افزوده است. و این بدین معناست که رژیم به زبان بودجه عمرانی، افزایش هزینه‌های جنگی را در بودجه سال آتی تأمین خواهد کرد. موسوی درباره جنگ اظهار داشت که میزان توجه رژیم، تنها افزایش ۱۵ درصد به هزینه‌های نظامی، انتظامی نیست، بلکه رژیم تهدیدات دیگری را در تبصره‌های بودجه در نظر گرفته که بخش دیگری از بودجه عمرانی کشور را در اختیار جنگ قرار می‌دهد. او گفت: "دولت علاوه بر آنکه بر بودجه دفاعی (نظامی) کشور افزوده، در تبصره‌های مختلف، تسهیلات لازم را در جهت امر دفاع ایجاد کرده است. همچنین دستگاههای مختلف دولتی را موظف نموده تا به نیازهای جبهه اولویت داده و تجهیزات و امکاناتی که در این رابطه مورد احتیاج است را در اختیار نهادهای مربوطه قرار دهند."

مشارکت مردم!

رژیم معترف است که در سال آتی بیش از سال جاری از تأمین منابع مالی انجام پروژه‌های عمرانی عاجز است. موسوی در این زمینه گفت: "از ویژگی‌های بودجه سال آتی بهادادن هر چه بیشتر به مشارکت مردم هر منطقه در فعالیتهای عمرانی همان منطقه است. در لایحه بودجه سال ۶۵، شاهد شکل‌گیری سیاستهای جدیدی در جهت تشویق مشارکت مردم هستیم. به عنوان مثال پیش‌بینی شده است که هرگاه مردم یک ناحیه ۵۰ درصد از هزینه‌های یک طرح عمرانی را تأمین نمایند، دولت موظف است ۵۰ درصد دیگر این هزینه‌ها را تأمین کند این

حد بر اساس تبصره دیگری در برخی موارد ۲۰ درصد تعیین شده است."

محور "مشارکت مردم" در لایحه بودجه سال ۶۵، تنها به این معناست که رژیم جمهوری اسلامی بخش اعظم بودجه عمرانی را مشروط به "سرمایه گذاری" ۵۰ درصد هزینه یک طرح عمرانی از سوی مردم محروم هرناحیه و منطقه تعیین کرده است. این یعنی اینکه، هرگاه مردم به عنوان مثال نتوانند ۵۰ درصد هزینه راه‌سازی و برق و آب برسانی و یا مدرسه‌سازی و ... را تأمین نمایند، دولت جمهوری اسلامی هیچگونه تعهدی در احداث این پروژه‌ها و انجام این خدمات و تألیف نخواهد داشت.

رژیم حتی از تقیل همین ۵۰ درصد نیز عاجز است. به عنوان نمونه، همین هفته پیش موسوی در جلسه هیات دولت اظهار داشت که پروژه گاز رسانی مشروط به "مشارکت مردم" در تمام هزینه آن می‌باشد و مردم باید هزینه احداث این شبکه گازرسانی را پیشاپیش و بی آنکه کاری در کار باشد، به حساب دولت پرداخت نمایند. و این بدین معناست که مردم ۱۰۰ درصد هزینه عمرانی را بپردازند و حتی مالیات هم روی آن بدهند!

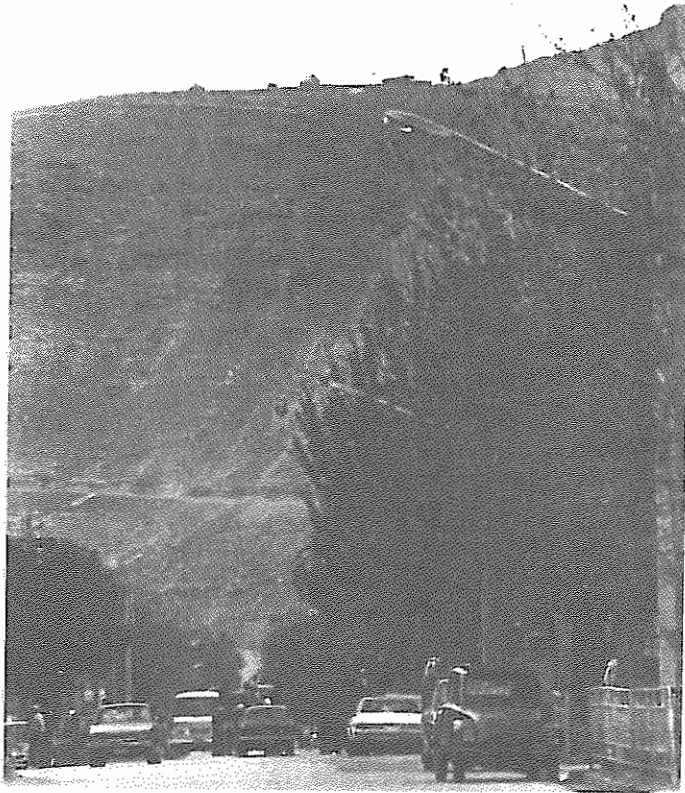
مشارکت سیستم بانکی!

یکی دیگر از محورهای لایحه بودجه سال آتی، "مشارکت سیستم بانکی" اعلام شده است. نخست وزیر جمهوری اسلامی پیرامون این کشف منحصر بفرد نظریه پردازان جمهوری اسلامی، سخنرانی کرد، اما واقعیت این است که "مشارکت سیستم بانکی" که در واقع چیزی نیست مگر بازتاب اوضاع درهم ریخته جمهوری اسلامی و تجلی کربیت المال موریا نه زده، هیچ بدعت و کشف تازه‌ای نیست. و تنها در زمینه خود و دیگر فریبی مسئولین جمهوری اسلامی می‌تواند بدعتی محسوب شود، چرا که مشارکت دادن سیستم بانکی در تأمین نیازهای مالی دولت، یعنی استقراض از سیستم بانکی، یعنی کسری بودجه. اما موسوی می‌گوید تا این کسری بودجه را در الفاظ بپوشاند چرا که به غیر از "مشارکت سیستم بانکی" با قلم استقراض از سیستم بانکی نیز مواجه ایم. رژیم می‌گوید که این دورا متفاوت نشان دهد. اما باید گفت که هر دو یکی هستند یعنی کسری بودجه سال ۶۵ مساوی است با استقراض عملی و نه ادعایی از سیستم بانکی به علاوه استقراض تغییر اسم یافته رژیم از بانک‌ها که تحت عنوان مشارکت دادن سیستم بانکی کشور صورت می‌گیرد.

"ادامه دارد"

گزارشی از کردستان

کرد زنده است! بخش دوم



جلوه‌ای از اشغال: سنج در محاصره تانک‌ها

مهاباد و دیگر شهرهای اشغال شده، تحریم کامل نیروهای سرکوبگر از یک سو و در مقابل تحکیم همبستگی با یکدیگر در برابر مزدوران از سوی دیگر است. این ابراز همبستگی از جمله به صورت تکیه بر سنتهای ملی، خاصه آن هنگام که با مراسم دسته جمعی همراه باشد، نمود می‌یابد. نمونه‌ای از این جلوه مقاومت را امسال در مراسم سیزده بدر در شهر مهاباد می‌شد مشاهده کرد. مردم به شکل معنی‌داری از شهر خارج شدند، اکثر به جانب سد مهاباد رفتند و در آنجا به شادمانی و پایکوبی پرداختند.

سرکوب و محرومیت

از مهاباد بدان جهت بطور ویژه سخن گفتیم که در جنبش ملی خلق کرد موقعیت ویژه‌ای دارد و رگنه در دیگر شهرهای اشغال شده کردستان وضعیت به همان گونه است که در بالا توصیف شد. این سو مردمند، با شور و مقاومت و رزمندگی‌شان و آنسو نیروهای سرکوبگر رژیم با درنده خوبی‌شان و بی‌شمی تلاششان برای اندکی رخنه، سواي رخنه نظامی به درون این خطه. جلوه‌های اشغال در همه جا یکسان است: شهر پر از ارتشی و سپاهی و بسیجی شده است. بوکان را آبا دیده‌اید؟ بوکان شهر کوچکی است که در یک میدان و در چند خیابان متقاطع می‌توانید خلاصه‌اش کنید. در

نعالیت‌هایشان در این زمینه آنقدر مضمون احمقانه‌ای دارد که این جای خوشبختی را می‌گذارد که دشمن امروزین خلق قادر نیست سلاح فریب را به شکل کارآیی به سوی مردم این خطه نشانه‌رود. البته این بدان معنی نیست که جمهوری اسلامی در این زمینه تلاش نمی‌کند. حتی بوده‌ها هنگفتی را به این امر اختصاص داده‌اند. به عنوان نمونه در شهر مهاباد تفرندهای مختلفی را به زعم خود برای فریب دادن جوانان تدارک دیده‌اند: تقاتر و نمایش برپا می‌کنند، گشتیهای سیاحتی به قم و مشهد ترتیب می‌دهند، برای هر کسی که اندکی با آنان و یا کانونهای مختلف تدارک دیده شده از سوی آنان دمخور شود امتیازات کوناگون قایل می‌شوند و... اما نتیجه بسیار ناازل است. گاه می‌شود که برنامه‌ای را تدارک می‌بینند اما به عرصه‌ای برای تبلیغات نیروهای انقلابی بدل می‌شود. در مسابقات فوتبال تابستان امسال، این ساله به خوبی جلب توجه می‌کرد. تماشاگران چندین مورد وقتی پا به درون ورزشگاه گذاشتند روی پله‌ها انبوه اعلامیه‌ها و به ویژه اعلامیه‌های سازمان ما را دیدند. سرایمگی پاسداران از این موضوع و عکس العمل مردم منجر به شعار دادن و انجام تظاهرات گردید.

یکی از جلوه‌های مبارزه مردم

مهاباد، قلب تپنده کردستان

غروب‌های شهر مهاباد همواره با شور و تحرک ویژه‌ای آمیخته بود، بوی زندگی داشت و نشاط. مردم در چهارراه "مژگه‌وتی‌ه باسائاغا" (مسجد عباس آقا) جمع می‌شدند و پایان یک روز پر تحرک را با اختلاطی شادمانه جشن می‌گرفتند. در جریان انقلاب و پس از آن، همین مکان محل بحث‌های سیاسی بود. "شاه باید سرنگون شود... آزادی باید به کف آید و خلق کرد خود مختار شود... شاه سرنگون شده است... برای سرنگونی شاه جنگیدیم، اما هنوز باید به نبرد ادامه دهیم..." کافی بود چند دقیقه‌ای در این چهارراه پایستی، تا جان کلام خلق کرد را بشنوی.

حالا دیگر غروبها چهارراه "مژگه‌وتی‌ه باسائاغا" سوت و کور است. نیروهای سرکوبگر رژیم این نقطه را به شدت زیر نظر دارند. این چهارراه جولانگاه عسکرهاست. با این وجود چهارراه "مژگه‌وتی‌ه باسائاغا" هویت خود را فراموش نکرده است. زیر چشم خونبار ارکانهای سرکوبگر نیز نیروهای انقلابی بر دیوارهای این محل شعار می‌نویسند. چهارراه "مژگه‌وتی‌ه باسائاغا" از ورای این شعارها با شادمانی به مردم و با نفرت و ریشخند به نیروهای سرکوبگر می‌نگرد.

مهاباد، قلب همیشه تپنده کردستان است. مهاباد یادگار جمهوری است. مهاباد جمهوری خود



جمهوری اسلامی یعنی این!

گزارشی از مبارزات کارگران شیلات جنوب

بقیه از صفحه اول

۲۰۰ نفر از کارگران شیلات شب و صبح بطور دسته جمعی در مقابل در ورودی شیلات اجتماع کرده، ضمن ممانعت از ورود اعضای انجمن اسلامی و افغان مدیر شیلات به محل کار، خواستار تامین مطالبات خود شدند. آنها این بار به مطالبات قبلی خود مبنی بر آزادی کارگران زندانی و مطالبات منفی قبلی شامل "پرداخت پول لباس"، "پاداش سالیانه"، پرداخت سهک طلا (عیدی سال ۶۴)، کنترل بر تهیه و توزیع اجناس تعاونی شیلات را نیز افزودند.

کارگران برای نشان دادن عزم خود، ضمن دست زدن به راهپیمایی و تظاهرات در محوطه شیلات مدیر شیلات را دوره کرده و از او خواستند که همراه با دیگر مسئولین با خواسته‌های آنها موافقت کند. تهدیدات مامورین "کنترل و بازرسی" که در محل حاضر بودند، برای پراکنده کردن کارگران بی نتیجه بود. بعد از نیم ساعت مجادله بین مدیر و کارگران در حال تحصن، مدیر و مسئولین شیلات مجبور به پذیرش مذاکره با نمایندگان کارگران اعتصابی شدند.

کارگران چند نفر راجعت مذاکره با مدیر و مسئولین شیلات انتخاب کرده و به نژد آنها فرستادند. مذاکره نمایندگان کارگران ۶ ساعت به طول انجامید. در پایان مذاکره، مسئولین شیلات به ناچار با بخشی از خواسته‌های کارگران از جمله پرداخت پول لباس، عیدی سال ۶۴ و

پاداش سالیانه موافقت کردند. سپاه در برابر فشار کارگران اعتصابی دو نفر کارگر زندانی را به قید ضمانت آزاد ساخت ولی برای، این که کینه رژیم و ارگانهای سرکوبگر آن نسبت به کارگران جلوه بارز و کاملی داشته باشد، آنان را در اختیار دادگاه گذاشت. دادگاه سختره‌ای که حکم آن از قبل مشخص بود این دو کارگر را برای این که برای همیشه از شیلات اخراج کرده و از این طریق از کارگران انتقام گرفته باشند، محکوم به حبس کرد. برای هر مزی که به آن ۵۰ ساله ۶ ماه و شجاعی کارگر قسمت برق سه سال زندان بریده شد. این انتقام گیری ارگانهای سرکوبگر رژیم و مسئولین شیلات از کارگران، چهره واقعی حکومت جمهوری اسلامی را در برابر دید همه کارگران عریان ساخت. محکومیت این دو کارگر به حبس، کارگران را به شدت خشمگین نمود. اگر چه اکنون یک دور از حرکت اعتصابی در شیلات بندر عباس پایان پذیرفته است، اما درهای آن و خشمی که کارگران در جریان آن از رژیم در دل خود انباشته ساخته‌اند، به حرکتها، بعدی آنان شکل مدهدانه و آگاهانه‌تر و جلوه‌های قابل تری خواهد داد.

شیلات و انجمن اسلامی آن مهلت دادند.

مهلت یک "مفتی‌ای" پایان پذیرفت. هم زمان با آن، یک جلسه سخنرانی با شرکت احمدی مسئول ستاد "جذب نیرو و اعزام به جبهه" سپاه، در محل برگزار شد که در این جلسه محمد جم مسئول انجمن اسلامی و مسئول "اتاق جفت" این واحد از ست خود معزول شده و مسئول سابق کنترل و بازرسی شیلات جای او را گرفت. کارگران در همین جلسه بار دیگر خواسته‌هایشان را مطرح کردند و محمد جم مسئول انجمن اسلامی را مورد بازخواست قرار دادند. او از پاسخ به سوالات مکرر کارگران مبنی بر علت عدم پرداخت دو سال "پاداش سالیانه"، پول عیدی، سال گذشته، پول لباس و... سطره رفت. کارگران که از مدت‌ها قبل از دست مسئولین شیلات ر انجمن اسلامی آن، به خاطر عدم پرداخت وام، باندباز، آنها به متتام توزیع اجناس تعاونی و دیگر دزدیها و اعمالشان، دلخونی داشتند، همان جا با خشم و نفرت، خواهان اخراج "جم" از شیلات شدند. جلسه روز ۲۲ مهر با شمار دسته جمعی "جم" اخراج باید کرده" پایان پذیرفت.

روز بعد کارگران در و دیوارهای داخلی شیلات و سردخانه را با شعار علیه جم و دو نفر دیگر از مسئولین انجمن اسلامی (محمد ره پیش و کرگی) پر کردند. شعار نویسی کارگران تا چند شب بعد مرتقا ادامه پیدا کرد.

در جریان فعالیت کارگران، اطلاعات سپاه پاسداران در وحشت از گسترش اوج گیری مخالفت و مبارزه کارگران، برای زهره چشم گرفتن از آنان، دو نفر از کارگران را مخفیانه ربوده و در محل نامعلومی زندانی کرد. آنها "عبدالله سلامتی هرمزی" نگهبان پیر و کارگر با سابقه شیلات را متکامی که مشغول نگهبانی در محوطه شیلات بود، از محل کارش ربودند. همان روز عده‌ای دیگر از اوباشان حکومتی به خانه "شجاعی" کارگر قسمت برق شیلات، ریخته او را نیز دستگیر کردند. کارگران شیلات بعد از موقوف مطلع شده و پس از بی جویی متوجه توطئه سپاه شدند.

روز بیست و هشتم، جمعی از کارگران از رفتن به سرکار، خودداری کرده و خواهان آزادی دو نفر کارگر زندانی شدند. این اعتراض جمعی روز بعد با عده بیشتری انجام شد. از اولین ساعات روز بیست و نهم مهر،

در گزارشی از سردهشت، چنین تصویری از این شهر ارائه شده است: "شهر هنوز حالت ویرانی را دارد. مردم بنیه مالی ندارند خانه‌هایشان را، که بر اثر بمباران ویرانه شده دوباره بسازند و اگر داشته باشند مطمئن نیستند که فردا دوباره بر سر کاشانه‌شان چه خواهد آمد. رژیم همه شهر را نظامی کرده است. فقط مانده روی تک تک خانه‌ها تانک‌های جنگی اش را پارک کند، کمالینکه روی خرابه‌ها پارک کرده‌اند. پادگان بزرگ درست در وسط شهر قرار گرفته است و در هر حمله هوایی رژیم عراق به پادگان، این مردم و خانه‌هایشان می‌باشد که هدف قرار می‌گیرد نه پادگان. چرا که پادگان دفاع ضد هوایی دارد ولی بقیه شهر بی دفاع است."

در یک گزارش دیگر وضعیت سقر و بوکان چنین وصف می‌شود: "خرابی، ویرانی، گرانی، تورم و بیکاری، خرابی بیمارستان، نبود پزشک و داروخانه و درمانگاه به مانند دیگر شهرهای کردستان، سقر را با مشکلات عدیده‌ای روبرو کرده است. مناطق محروم حاشیه نشین شهر مانند "قدرچی تاوا" (کولی آباد) در بدترین وضع ممکن قرار دارند. مشکل بیکاری هم در سقر و هم در بوکان و کلا در همه شهرهای کردستان خیلی وحشتناک است.

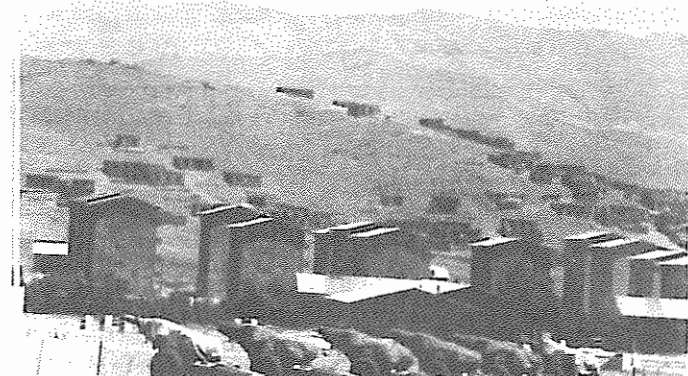
در خیابانها یا دستفروشی می‌بینید و با پادار و ارتشی. در بوکان بیماری‌های واکسین، وبا و امراض انگلی به شدت به جان مردم افتاده‌اند. مرگ و میر کودکان، پیرمردان و پیرزنان بسیار بالا رفته و متوسط سن نسبت به گذشته به میزان زیادی پائین آمده است. حتی کسانی که بطور نسبی در شهر متوسط الحال محسوب می‌شده‌اند اکنون گرسنه مرمن هستند."

ادامه دارد.

همین بوکان که در آن هیچ پادگان نظامی وجود نداشت، گاه تعداد نظامیان به بیش از ۱۵۰۰ نفر نظامی می‌رسد. در شهرهایی مثل اشونیه و پیرانشهر در داخل خیابانها تعداد نظامیان به مراتب بیش از افراد عادی است. جنگ با عراق یکی از بهانه‌های تمرکز این همه نظامی در این استان مرزی است. هدف اصلی رژیم از تمرکز این همه نیرو، اعمال کنترل کامل بر این منطقه "طاغی" است.

تمرکز این همه نیروی نظامی، طبیعتاً منتهای قتل و غارت و خونریزی و دستگیری، عوارض اجتماعی و اقتصادی ویژه خود را نیز به دنبال دارد. غلو نکرده ایم اگر بگوئیم شهرهای ایران محسوب می‌شوند. در گزارشی از اشونیه چنین می‌خوانیم: "به مغازه‌ها، غذاخوری‌ها، مسافرخانه‌ها، گرمابه‌ها، داروخانه، بهداری و بیمارستان، به هر کجا که سر می‌کشیم، نظامی‌ها را می‌بینیم. قیمت اجناس روی هیچ پایه شخصی نمی‌چرخد و مرتب سیر صعودی دارد. غذاخوری‌ها تکافوی نیاز را نمی‌کنند. مسافرخانه‌ها جا ندارند. گرمابه‌ها و داروخانه و بهداری و بیمارستان پاسخگوی مراجعین نیستند."

یک گزارش دیگر وضعیت نقده را چنین توصیف می‌کند: "بعد از جنگ شهرها، خانواده‌های زیادی از پیرانشهر که بطور ثابت مورد حمله هوایی عراق بود به نقده آمدند. آنها وضع بسیار بدی دارند. آمدن این عده و همزمان با آن تمرکز بیشتر نیروهای نظامی، به فقر و سرکوب و فشار در این شهر ابعاد وحشتناکی داد. اعتراض مردم روز افزون است. رژیم اگر چه می‌کوشد سلاح کینه نفاق افکندن بین کرد و آذری را به کار اندازد تا از دامنه مقاومت متحدانه مردم بکاهد، اما در این زمینه کاملاً ناموفق است."



پادگان سنندج... این پادگانها را از سلاح انباشته کرده‌اند تا مردم را قتل عام کنند.

پیرو باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

باز هم درباره دموکراسی یورژوایی

اخیرا دادگاه عالی آلمان فدرال حکمی صادر کرد که در نوع خود بی نظیر، اما در عین حال نمونه وار است. طبق این حکم، نمایندگان عضو فراسیون حزب "سیزها" در پارلمان فدرال، حق ندارند در کمیسیون بررسی بودجه سازمانهای جاسوسی آلمان فدرال عضویت یابند، در حالیکه ظاهرا طبق قانون اساسی این کشور نماینده پارلمان مجاز به کنترل همه سازمانهای دولتی و مطبوعات بر

بودجه آنهاست. دلیل این محرومیت از این قرار ذکر شده که نمایندگان "سیزها"، (یعنی نمایندگان نزدیک به ۱۰ درصد مردم آلمان فدرال) قابل اعتماد نیستند! ظاهرا محافل حاکم آلمان فدرال ترجیح داده اند بهر قیمت، حتی به قیمت بی آبرویی و بر ملا شدن همه ادعاهایشان دایر بر "حاکمیت مردم" و قس علیهذا، از آگاهی مردم بر کار سازمانهای جاسوسی جلوگیری کنند.



قیمت يك كرسی كنگره آمریکا

نمایندگان، هر کاندیدا ناچار گردید بطور متوسط ۲۸۸ هزار دلار پرداخت کند. یک کرسی در سنای بسیار گران تر است و قیمت متوسط آن نزدیک به سه میلیون دلار است. جسی هلمز، سناتور ماورا راست کارولینای شمالی، برای حفظ کرسی خود ۱۶/۵ میلیون دلار خرج کرد.

در آمریکا تنها مایحتاج مردم فقیر نیست که هر روز گران تر می شود. بیچاره اغنیا هم باید پیوسته بهای گرانتری برای نیازهای زندگیشان بپردازند. طبق گزارش یک کمیته فدرال، داوطلبان احراز کرسی نمایندگی در کنگره آمریکا در انتخابات ۱۹۸۴ در مجموع ۲۷۴ میلیون دلار، یعنی تقریباً سه برابر هزینه انتخابات ۱۹۷۶، پول خرج کردند. برای راه یافتن به مجلس

هنر خشن!

مجسمه را که شبیه جان دادن یک انسان است، تماشا کند و از آن، احساسی بدودست می دهد که گویا یک اعدام واقعی را می بیند. این است مفهوم "هنر" در قاموس صاحبان "جهان آزاد".

به گزارش مجله اشترن چاپ آلمان فدرال، هر بیننده ترین سوژه نمایشگاه "هنرهای خشن" دایر در سانتا کلارا، آمریکا یک صندلی الکتریکی است که مجسمه ای بسیار شبیه انسان روی آن نشسته است. هر کس می تواند با انداختن یک سکه، تکنانهای مرگبار

حوزه های علمیه چگونه اداره می شوند؟

در جلسه مجلس شورای اسلامی، یکی از نمایندگان ضمن دفاع جانانه از بخش خصوصی و آزادی بی قید و شرط این بخش در کسب و کار، گفت: "دولت می تواند ناظر خوب باشد. نه تاجر خوب. وقتی گفته می شود که بگذارید مردم کسب کنند، می گویند شما طرفدار سرمایه دارید. مگر حوزه های علمیه از وجوهات این افراد متدین و کسب و کار حلال اداره نمی شوند؟"

پاروان

باران مهربان!
اینک که باغ ملتبه شهر
در ملتبه ای زردی خود سیر می کند
اینک که روی کاشی آبی حوض ما
اندام بی قواره گلدان
در ذهن ما تانده ای سبزی ست
آیا به فکر بیکرتو، ره یافت
تصویر عاشقانه ریزش؟
گلهای غم گرفته این باغ
در اشتیاق روی تو می سوزند
ای آرزوی قلبی هر مرگ
ای مهربان،
باران.

رضاعقصدی ۱۳۴۷

صدور انقلاب!

"حجت الاسلام رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه تهران در رابطه با سفر حجت الاسلام خامنه ای به پاکستان، به مسئله صدور انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت مردم کوشیدند تا ماشین حامل رئیس جمهور را ببوسند... (این نشان می دهد که) مردم جهان جمهوری اسلامی را شناخته اند و انقلاب صادر شده است." (رادیو جمهوری اسلامی) خبرنگار "گوناگون" که برای تهیه گزارش پیرامون مذاکرات اقتصادی هیات به پاکستان رفته بود، در تایید اظهارات رئیس مجلس اسلامی خبر زیر را به ما مخابره کرد:

"هیات های جمهوری های اسلامی ایران و پاکستان پس از مذاکراتی که در محیط گرم و برادرانه صورت گرفت، به تکل همکاری و مبادلات اقتصادی را امضا کردند. بدنبال ابراز تمایل هیات ایرانی، پاکستان موافقت نمود سهم واردات "انقلاب اسلامی" خود را از ایران به میزان نیم میلیارد دلار افزایش دهد. در پاسخ به این ابراز حسن نیت طرف پاکستانی، هیات همراه آقای خامنه ای موافقت نمود واردات بنگ، علف، خشیش، مروثین و غیره توسط برادران مجاهد افغانی از پاکستان افزایش یابد که خود به معنای تحویل مواد خام "انقلاب اسلامی" خواهد بود. این مواد خام در صنایع پیشرفته جمهوری اسلامی ایران به "انقلاب اسلامی" تبدیل می گردد."

از ادبیات گهن فارسی

نکاتی از تاریخ

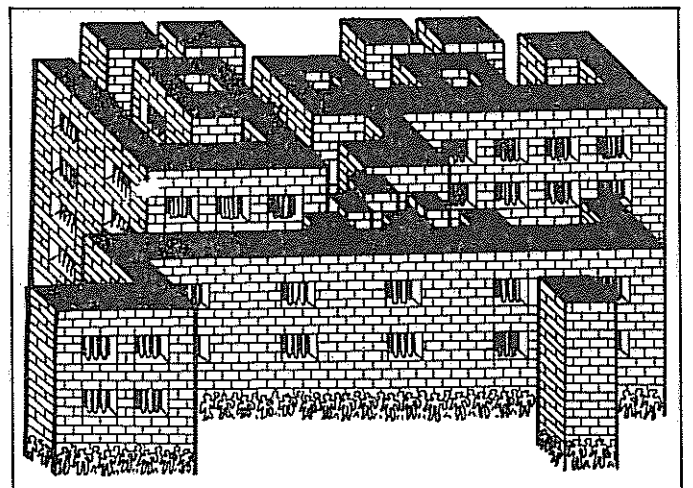
وصف حال چند پادشاه و خلیفه:

* عبد الملک بن مروان را ابوالباب گفتندی یعنی پدر مکران، و سبب آن چنان بود که او کنده دمان بودی تا به حدی که چون مکران نزدیک دمان او بگذشتی، از کنده دهانی او بیفتادی. و مروان بن محمد بن مروان بن الحکم را که آخرین ملوک بنی امیه بود، او را مروان حمار گفتند... سبب آن که مروان از آن روز که خلیفه شد، یک روز به فراغت نشست بلکه پیوسته به دفع اعدا مشغول بود و هیچ حصه از لذت نصیب او نشد و او بر آن شد اید مصابرت می نمود. پس او را در صبری به خر تشبیه کردند و نام حمار بر وی نهادند.

* جمیع پادشاهی در خاندان ملک اصیل تر نبوده است از شیرویه بن پرویز بن هرمز بن... شاپور بن اردشیر بن بابک، زیرا که پدران او تا بابک همه پادشاهان جهان بودند و اصیل تر خلفا السنتصر بن المتوکل بن المعتصم بن الرشید بن المهدی بن منصور بوده است، و عجب تر آن که آنکس که اصیل تر پادشاهان بود، آن شیرویه بود، پدر خود پرویز را بکشت و ملک بگرفت، لاجرم بعد از پدر خود بیش از شش ماه نماند و اصیل ترین خلفا، و آن مستنصر بود، پدر خود متوکل را بکشت و خلافت بست، لاجرم بعد از پدر خود بیش از شش ماه نماند.

از کتاب "جامع العلوم" امام فخرالدین رازی (ص ۴۸-۶۰)

حقوق بشر در جمهوری اسلامی



طرح بالا که در کیهان ۱۶ دی ماه به چاپ رسیده است توصیف خوبی از "حقوق بشر" در جمهوری اسلامی است. با حذر اکر رهبران جمهوری اسلامی بند و زندان از حقوق بشر است.

مبتکر اصطلاح

«مجمع نظامی - صنعتی» کیست؟

اصطلاح «مجمع نظامی - صنعتی» در کشورهای پیشرفته سرمایه داری به گروهی متشکل از انحصارات تسلیحاتی، افسران عالی رتبه و سیاستمداران طرفدار مایلیتاریسم اطلاق می شود که نیروی محرکه اصلی سیاست دامن زدن به مسایقه تسلیحاتی هستند. مجمع نظامی - صنعتی، در سالهای اخیر در آمریکا و برخی دیگر از کشورهای امپریالیستی، دامنه قدرت خود را گسترش داده است. در «دمکراسی» های بورژوازی، نفوذ و قدرت این گروه بندی تعیین کننده همه امورات.

حدس بزنید اصطلاح «مجمع نظامی - صنعتی» را برای نخستین بار چه کسی در مورد این گروه بندی بکار برد؟ مجمع نظامی - صنعتی اصطلاحی است که نخستین مورد کاربرد آن به آخرین نطق آیزنهاور رئیس جمهور سابق ایالات متحده در ۱۵ ژانویه ۱۹۶۱ باز می گردد. وی در آن زمان با اشاره به بودجه عظیم تسلیحاتی آمریکا گفت: «این پیوند میان تأسیسات عظیم نظامی با صنایع بزرگ تسلیحاتی، تجربه جدیدی برای آمریکاست. مجموعه نفوذ اینها - اعم از نفوذ اقتصادی، سیاسی و حتی معنوی، در هر شهر، هر انجمن شهر، هر اداره دولت فدرال محسوس است... مقامات دولتی ما باید از هر گونه اعمال نفوذ خواسته یا ناخواسته غیر متناسب از سوی نظامیان و صنایع تسلیحاتی بر حذر باشد... ما نباید آزادیهای دمکراتیک خود را با چنین تغییری در توازن قوا به خطر اندازیم...»

اینکه خود آیزنهاور در دوران ریاست جمهوری خود بیشترین سهم را در قدرت گرفتن «مجمع نظامی - صنعتی» داشت، یماند. به این نیز نمی پردازیم که چاروی نهاد آخرین لحظات ریاست جمهوری اش بیاد آورد که باید چنین همداری به جانشینان خود بدهد. اما مهم، آن است که رئیس جمهور دوران جنگ سرد آمریکا، بیش از هر کس امکان شناختن هیولایی بنام «مجمع نظامی - صنعتی» را داشت. به قول معروف، «او می دانست از چه سخن می گوید». البته بدیهی است «مقامات» آمریکایی به وصیت آیزنهاور عمل نکردند. «مجمع نظامی - صنعتی» ماند و قوی و قوی تر شد.

از میان نامه ها

در ورزشگاه ساری

«جمعه به اتفاق عده ای از دوستان برای تماشای مسابقه فوتبال دو تیم مازندران و خراسان به ورزشگاه ساری رفتیم. سیل مردم به گذشت که سرتاسر این ورزشگاه محقر از جمعیت پر شد. حتی درختان و ساختمان های اطراف نیز مملو از جوانان گردید.

مسئولان شهر که گویا ورزشگاه را با میدان جنگ عوضی گرفته بودند، انبوهی از افراد مسلح را وارد ورزشگاه کردند. حدود سیصد نفر مسلح از کمیته، سپاه، بسیج و شهربانی در اطراف ورزشگاه و در زمین بازی ولو شدند. مردم بشوخی از هم می پرسیدند: «تکند بازی بین تیم های کمیته و شهربانی باشد؟ بهر حال آنها در همه جا حضور داشتند تا مبادا اجتماع مردم در این محل به راهپیمایی و یا حرکاتی از این قبیل بیانشجامد و هم چنین جلوی پخش اعلامیه را که در این قبیل موارد زیاد رخ می دهد، بگیرند. علاوه بر اینها می کوشیدند جلوی شادمانی مردم و کف زدن را در حین مسابقه، بگیرند. جمعیت ۲۰ هزار نفری ورزشگاه وقتی به حضور آنها نهادند و حتی قبل از اینکه بازی شروع شود، شروع به دست زدن و پایکوبی کردند. پاسدارها که از شدت ترس و عصبانیت رنگ به چهره نداشتند، جرات نمی کردند مداخله کنند.

حوالی ساعت سه و بیست دقیقه بازیکنان وارد زمین شدند. و مورد تشویق مردم قرار گرفتند. بدنبال آن طبق رسمی که رژیم سخی دارد تحمیل کند، بلندگوی استادیوم جهت قرائت قرآن همه را به سکوت دعوت کرد. مردم به ناچار آرام شدند و پایکوبی موقتا قطع گردید. قاری پس از خواندن آیاتی، شروع به تبلیغات برای حکومت کرد تا به قول خودش جایگاه ورزش را در اسلام و حکومت تشریح نماید. ولی بیست هزار تماشاچی با کوبیدن پا روی سکو و دست زدن و باسوت های بلند و ممتد، ادامه سخنرانی قاری را غیر ممکن کردند و او مجبور شد بی کارش برود. پاسدارهای میدان از شدت عصبانیت دیگر نزدیک بود بترکند. بهر ترتیب شفاهی که برنامه را اعلام می کرد با عجله میکروفن را گرفت و به اعلام اسمی بازیکنان پرداخت...»

هجوم مامورین تخریب و سپاه به محله ما

قابل سکونت گردید.

اما سپاه و ژاندارمری صبح روز بعد با یک اکیب مجهز به لودر و دیگر وسایل تخریب حمله را از سر گرفتند. مامورین شهرداری با لودر به سوی خانه پیرمرد روانه شدند و سپاه و ژاندارمری به سوی زنان و مردان. زنان با چوب و سنگ به مامورین حمله ور گردیدند و شیشه های ماشینهای آنها را خرد کردند. درگیری بالا گرفت. کثرت جمعیتی که در برابر مزدوران حکومتی قرار گرفتند آنها را به وحشت انداخته و وادار به عقب نشینی کرد. آنها به هنگام عقب نشینی و فرار دست به تیراندازی زدند که یک زن و یک بچه زخمی شدند.

بعد از ظهر همان روز آنها دوباره بازگشتند. عده شان خیلی زیاد بود. با پانزده ماشین آمده بودند، همراه با اکیب مجهز تخریب. با چوب و چماق و قنداق تفنگ به جان زنان معترض افتادند. عده ای از مردان را دستگیر کردند و بالاخره سرپناه پیرمرد نابینا را با خاک یکسان ساختند و رفتند.

دارو نیست، پزشک نیست، تخت نیست

دویدن جایی برای بیمار دم مرگ پیدا کردی تنها پول است که گره گشاست. پیش از همه باید مبلغ زیادی بابت هزینه پذیرش و تخت، پیش پرداخت کنی. بدون پیش پرداخت بابت بستری شدن، حتی از در بیمارستان هم به داخل راحت نمی دهند. فقیری و بی چیزی و عائله مندی به گوش کسی نمی رود. مهم پول است که باید داشته باشی. در همین بیمارستانهای دولتی خرج یک عمل جراحی ساده چنان بالاست که تو اگر به زندگی ات چوب حراج بزنی، نمی توانی آن را تأمین کنی. در بیمارستانهای دولتی مشکل تنها هزینه گران تخت بیمارستان و ندادن دارو نیست. در اینجا پزشک هم وجود ندارد و آنهایی هم که هستند، دانشجویان تازه فارغ التحصیل شده اند. برای دولت هم که مهم نیست چه بلایی سر مردم می آید و چگونه آنها را بخاطر «تخت» بیمارستان و دارو سر کیسه می کنند. خودشان اگر کوچکترین ناراحتی داشته باشند دکتر مخصوص از آمریکا و سوئیس می آورند و یا راهی اروپا می شوند. آن وقت در بیمارستانهای دولتی نسخه را میدهند به بستگان بیمار و او را راهی خیابان می کنند...»

«روزهای سه شنبه ۲۱ آبان و چهارشنبه ۲۲ آبان پاسدارها، ژاندارم ها و مامورین شهرداری برای تخریب خانه ای به منطقه مادر اطراف نیروگاه پورش آوردند. اهالی محل و علی الخصوص زنان در برابر مامورین سپاه و ژاندارمری دست به مقاومت زدند. در این درگیری مامورین به سوی مردم تیراندازی کردند که در جریان آن دو نفر زخمی گردیدند. خانه ای که مامورین شهرداری قصد تخریب آن را داشتند سرپناه و محل کسب و کار پیرمرد نابینایی بود که با هزار خون دل خوردن و با کمک اهالی محل آن را ساخته بود. آنها آلونک پیرمرد بیچاره را از مدت ها پیش نشان کرده بودند و بالاخره روز سه شنبه ۲۱ آبان را مناسب تشخیص داده به منطقه هجوم آوردند. مزدوران شهرداری با وجود اعتراض مسایکان پیرمرد، خانه او را خراب کردند. بیچاره پیرمرد نابینا باورش نمی شد.

اندکی بعد مردم محل به کمک او آمدند و همان روز جمع شدند، شبانه خانه وی را از نو ساختند، لوریکه

... در همین تهران کمبود پزشک، دارو، تخت برای بیماران اورژانس چنان بیداد می کند که کوچکترین نوبی مردم را به شدت نگران می سازد. هزینه تخت اورژانس در بیمارستانهای دولتی از درآمد چند ماهه یک خانواده زحمتکش بالا می زند. در بیمارستانها حتی داروهای حیاتی را هم به بیماران نمی دهند. اگر برای بیمار دارویی تجویز شود نسخه آن را بدست صاحب بیمار می دهند تا از بیرون تهیه کند. آنهم نه از داروخانه ها بلکه از بازار سیاه. اکثر بیمارستانهای دولتی تنها مجروحین جنگی را بستری می کنند. هر آماده باش در جبهه ها، عملا شامل حال بیمارستانها و مخصوصا بیمارستانهای دولتی نیز می شود. بیمارانی را که در بیمارستانها بستری هستند به اجبار مرخص کرده و بیمارستانها را برای مجروحین حمله جدید آماده می کنند. در واقع برای بیماران اورژانس هم تختی برای بستری شدن نمانده. اگر بیمار اورژانس داشته باشی معلوم نیست کجا باید ببری. تخت نیست، ماشین اورژانس نیست، دارو هم که باید از بیرون بخری و... نازه اگر شانس آوردی و با هزار مصیبت و از این بیمارستان به آن بیمارستان

برنامه اتحاد شوروی برای محو کامل سلاحهای هسته‌ای تا سال ۲۰۰۰

آندسته تسلیحات غیر هسته‌ای که بر اصول نوین فیزیکی استوار بوده و قدرت نابود کننده‌شان نزدیک به سلاحهای هسته‌ای یا سایر سلاحها نابودی جمعی باشد، ممنوع خواهد شد.

مرحله سوم: حداکثر در سال ۱۹۹۵ آغاز خواهد شد و طی آن، مجموعه سلاحهای هسته‌ای باقیمانده به پایان می‌رسد. در پایان سال ۱۹۹۱، دیگر بر روی زمین سلاح هسته‌ای وجود ندارد. یک توافق جهانی مبنی بر آنکه این سلاح دیگر مرکز ایجاد نشود، تدوین می‌گردد.

این بدان معنی است که شیوه‌های ویژه‌ای برای نابودی سلاحهای هسته‌ای و دموثبات، تبدیل کردن و یانابود سازی سیستم‌های حامل، تدوین گردد. درباره سلاحهایی که در مرحله از بین می‌رود، و اماکنی که در آن، سلاحها نابود می‌شود، و غیره توافق حاصل خواهد شد.

کنترل تسلیحاتی که نابود و یا محدود می‌شوند، هم به کمک وسایل فنی هر کشور و هم از طریق بازرسی در محل، انجام خواهد گرفت. ا.ج.ش.س آماده است با هر نوع تدابیر کنترل دیگری علاوه بر این، موافقت نماید.

پذیرش برنامه پیشنهادی مابرای خلع سلاح هسته‌ای، بی‌شک می‌تواند تاثیر مساعدی بر مذاکراتی که در سطح دوچند جانبه انجام می‌گیرد، داشته باشد. این برنامه، راهها و اهداف مشخصی را تعیین می‌کند، مهلت‌های معینی برای حصول توافقها و تحقق آنها می‌گذارد و به توافقی تحقق آنها جهت و هدفمندی می‌بخشد. بدین ترتیب، این گرایش خطرناک که سابقه تسلیحاتی سریع‌تر از تسلیحاتی مداخلات پیش رود، شکسته خواهد شد. بدین گونه، ما پیشنهاد می‌کنیم سومین هزاره را بدون سلاحهای هسته‌ای و بر مبنای توافقی قابل قبول طرفین و دقیقاً کنترل شدنی، آغاز نماییم. اگر حکومت ایالات متحده، بدانگونه که بارها اعلام کرده، هدف محو کامل سلاحهای هسته‌ای در همه‌جا رادنهال می‌کند، از این طریق امکان عملی این کار را می‌یابد. آیا این عقلایی‌تر نیست که به جای هدر دادن ۱۰ تا ۱۵ سال آینده با ایجاد سلاحهای جدید بسیار خطرناک برای بشریت در فضا، که گویا باید سلاحهای هسته‌ای را بیفایده سازد، به نابودی این سلاحهای روی آورده و آنها را در نهایت تاسف کاهش دهیم؟ تکرار می‌کنم، اتحاد شوروی دقیقاً همین راه را پیشنهاد می‌کند.

اتحاد شوروی از همه خلقها و دولتها و طبعاً در وهله اول از صاحبان سلاحهای هسته‌ای، دعوت می‌کند از برنامه محو سلاحهای هسته‌ای تا سال ۲۰۰۰ پشتیبانی نمایند. برای هر فرد فاقد پیشداوری، کاملاً آشکار است که با تحقق چنین برنامه‌ای، هیچ کس بازنده نخواهد بود، بلکه همه سود خواهند برد. سخن از مسئله‌ای است که برای همه بشریت اهمیت دارد و تنها می‌تواند و باید مشترک‌الاجل شود. هر چه این برنامه سریع‌تر جامعه عمل به خود پیوست، زندگی روی سیاره ما مطمئن‌تر خواهد شد.

۴

اتحاد شوروی، بر پایه چنین برخورد و تلاشی برای برداشتن یک گام عملی دیگر در رابطه با برنامه خلع سلاح هسته‌ای، تصمیم مهمی اتخاذ کرده است.

مامور اتوریوم یکجانبه خود برای همه انفجارهای هسته‌ای را که مهلت آن در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۵ به سر رسید، سه ماه دیگر تمدید می‌کنیم. اگر ایالات متحده آمریکا نیز بنوبه خود آزمایشهای هسته‌ای را متوقف سازد، این موراتوریوم فراتر از این مهلت نیز معتبر خواهد بود. ما به ایالات متحده بسیار دیگر پیشنهاد می‌کنیم بدین ابتکار که اهمیت آن برآستی برای هر کس در جهان آشکار است، بپیوندند.

روشن است که اتخاذ چنین تصمیمی برای ما به هیچ وجه آسان نبود. اتحاد شوروی نمی‌تواند در زمینه آزمایشهای هسته‌ای تا ابد بطور یکجانبه خویشتن داری کند. اما مسئله‌ای که مطرح و مسئولیتی که داریم، اتخاذ برکن است که نمی‌توانیم از هیچ کوششی برای تاثیر گذاری بر رفتار دیگران باینوری رستق، چشم‌پوشی کنیم.

همه کارشناسان، دانشمندان، سیاستمداران و نظامیان متفق القولند که قطع آزمایشها، همه راههای تکامل سلاحهای هسته‌ای را بگونه‌ای و اقامطلمش مود می‌کند و این، یک وظیفه دارای اهمیت درجه اول است. کاهش زردخانه‌های هسته‌ای به بدون ممنوعیت آزمایش تسلیحات هسته‌ای، راه برون رفت از این بست خطر هسته‌ای راهوار نمی‌سازد. زیرا باقیمانده سلاحها مدتی می‌شود و این امکان حتمی گردد که سلاحهای هسته‌ای را بکار هر چه پیچیده‌تری ایجاد شده و انواع جدید این سلاحها در مناطق آزمایش، امتحان گردد. بنابراین، قطع آز میاشها کامی عملی به سوی محو سلاحهای هسته‌ای است.

می‌خواهیم از پیش نکته‌ای را خاطرنشان سازم: انگشت گذاردن احتمالی بر مسئله کنترل بمقابله مانعی در راه برقراری موراتوریومی برای انفجار هسته‌ای، به کلی بی‌مورد است. ما با قاطعیت تمام اعلام می‌کنیم: کنترل، برای ما مسئله‌ای نیست. اگر ایالات متحده آمریکا با قطع همه انفجارهای هسته‌ای بر مبنای دو جانبه موافقت کند، کنترل لازم در مورد رعایت موراتوریوم، با وسایل فنی هر کشور و نیز شیوه‌های بین‌المللی (و نیز در موارد ضروری با بازرسی در محل) کاملاً تضمین شده است. ما ایالات متحده آمریکا را به حصول توافقی در این مورد فرامی‌خوانیم.

ا.ج.ش.س. پیگیرانه در این راه می‌کوشد که موراتوریوم، به اقدامی دو جانبه و سپس چند جانبه تبدیل شود. ما همچنین خواستاریم آئیم که مذاکرات سه جانبه با شرکت ا.ج.ش.س، ایالات متحده آمریکا و بریتانیا درباره ممنوعیت عمومی و کامل آزمایش سلاحهای هسته‌ای از سر گرفته شود. این امر می‌تواند فوراً در همین ماه انجام پذیرد. ما همچنین حاضریم فوراً مذاکرات چند جانبه‌ای در مورد ممنوعیت آزمایشها در چارچوب کنفرانس خلع سلاح ژنو، که در آن همه قدرتهای هسته‌ای بتوانند شرکت جویند، آغاز کنیم.

کشورهای غیر متعهد پیشنهاد می‌کنند گفتگوهایی با این هدف انجام گیرد که اعتبار قرار داد ۱۹۶۲ مسکو درباره ممنوعیت آزمایش سلاحهای هسته‌ای در جزو، در فضا و زیر آب، اینک شامل آزمایشهای زیر زمینی نیز که این قرارداد آنها را دربر نمی‌گیرد، بشود. اتحاد شوروی با این نیز موافق است.

از تاپستان سال گذشته بدین سو، ما از ایالات متحده دعوت کرده ایم مانند ما

سال جدید، ۱۹۸۶، آغاز شده است. این سال، سالی مهم، و می‌توان گفت نقطه عطفی در تاریخ کشور شوروی خواهد بود، سال بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی. کنگره، مراحل اصلی رشد سیاسی، اجتماعی - اقتصادی و معنوی جامعه شوروی تا هزاره بعدی را تعیین، برنامه شتاب بخشیدن به کار سازندگی مسالمت آمیز ما را تصویب خواهد نمود.

همه تلاشهای ا.ج.ش.س، متوجه تضمین ادامه بهبود زندگی مردم شوروی است. در عرصه بین‌المللی نیز، چرخشی در جهت بهبود، ضروری است. این را خلقهای اتحاد شوروی، خلقهای تمامی جهان انتظار دارند و می‌طلبند.

بر این اساس، دفتر سیاسی کمیته مرکزی ا.ج.ش.س و دولت شوروی، در همین آغاز سال جدید، تصمیمی درباره یک سلسله اقدامات بزرگ سیاست خارجی، که دارای اهمیت اصولی است، اتخاذ کرده‌اند. هدف این اقدامات، حداکثر کوشش در جهت بهبود اوضاع بین‌المللی است. انجام این اقدامات به حکم ضرورت غلبه بر گرایشهای منفی به سوی رویارویی، که در سالهای اخیر تشدید شده‌اند، ضرورت هموار کردن راههای قطع مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای بر روی زمین و جلوگیری از آن در فضا و هموار ساختن راههای کاهش عمومی خطر جنگ و ایجاد اعتماد بعنوان وجه اجتناب ناپذیر مناسبات بین دولتها صورت می‌گیرد.

۱

مهمترین این اقدامات، برنامه مشخصی برای محو کامل سلاحهای هسته‌ای در سراسر جهان است که مدت زمان دقیقاً تعیین شده‌ای را در بر می‌گیرد.

اتحاد شوروی پیشنهاد می‌کند روند آزاد سازی زمین از سلاحهای هسته‌ای تا آغاز هزاره بعدی کاملاً یکپارچه و یکنواختی را پیگیری تحقق یافته و به پایان برسد.

قرن بیستم، انرژی اتم را به بشریت هدیه کرد. اما این دستاورد بزرگ شعور، می‌تواند برای انسانها به ابزار نابودی خودشان تبدیل شود.

آیا این تضاد حل شدنی است؟ به عقیده ما، بله. یافتن راههای موثر محو سلاحهای هسته‌ای، اگر فوراً بدان پرداخته شود، وظیفه‌ای انجام یافتنی است. اتحاد شوروی پیشنهاد می‌کند از سال ۱۹۸۶، تحقیق برنامه‌ای برای راههای بشریت از وحشت یک فاجعه هسته‌ای، آغاز شود. این واقعیت نیز که این سال از سوی سازمان ملل متحد، به عنوان سال بین‌المللی صلح اعلام شده، انگیزه سیاسی و اخلاقی دیگری بدین منظور ایجاد کرده است. در این رابطه، باید از محدوده خودخواهی ملی، ملاحظات تاکتیکی، کشمکشها و اختلافاتی که در قیاس با حفظ مهمترین ارزش، یعنی حفظ صلح و آینده‌ای تضمین شده، به حساب نمی‌آیند، فراتر رفت. انرژی اتمی باید تنها و صرفاً در خدمت صلح باشد. این، هدفی است که دولت سوسیالیستی ما همچنان بدون تزلزل در راه آن تلاش می‌کند.

کشور ما بود که در همان سال ۱۹۴۶، بعنوان نخستین کشور، هم مسئله ممنوعیت تولید و استفاده از سلاحهای هسته‌ای، و هم موضوع استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای در خدمت نیک بخشی بشریت را مطرح ساخت.

امروز اتحاد شوروی راه کاهش سلاحهای هسته‌ای (هم سیستم‌های حامل و هم کلاهکها) تا محو کامل آن را چگونگی می‌بیند؟ پیشنهادهای ما در مجموع بر این قرار است:

مرحله نخست: طی پنج تا هشت سال، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (ا.ج.ش.س) و ایالات متحده آمریکا سلاحهای هسته‌ای را که بردشان تا قلمرو و یکدیگر است، به نصف کاهش می‌دهند. برای این نوع سیستم‌های حامل باقیمانده برای دو کشور، هر یک حداکثر ۶ هزار کلاهک حفظ می‌کنند.

بدیهی است چنین کاهش از طریق چشمپوشی دو جانبه ا.ج.ش.س و ایالات متحده آمریکا از تولید، آزمایش و استقرار سلاحهای تهاجمی فضایی امکان پذیر است. اتحاد شوروی بارها متذکر داده که تولید سلاحهای تهاجمی فضایی امید به کاهش تسلیحات هسته‌ای روی زمین را از بین می‌برد. در مرحله نخست، تصمیمی درباره محو کامل سلاحهای میان برد ا.ج.ش.س و ایالات متحده آمریکا در حوزه اروپا - اعم از موشکهای بالیستیک و بالدار و بمبهای اولین گام در راه آزاد سازی قاره اروپا از سلاحهای هسته‌ای، اتخاذ گردد و تحقیق می‌یابد.

بدین منظور، ایالات متحده آمریکا باید متعهد شود موشکهای استراتژیک و میان برد خود را به سایر کشورها تحویل ندهد. انگلیس و فرانسه باید تعهد نمایند سلاحهای هسته‌ای مشابه خود را از این ایش نهند.

از آغاز لازم است ا.ج.ش.س و ایالات متحده آمریکا، بر سر قطع همه انفجارهای هسته‌ای توافق نموده و از سایر کشورها دعوت کنند هر چه زودتر به این موراتوریوم بپیوندند.

نخستین مرحله خلع سلاح هسته‌ای از آن رو به ا.ج.ش.س و ایالات متحده آمریکا مربوط می‌شود که دقیقاً همین دو کشور باید به سایر قدرتهای هسته‌ای سر مشق دهند. ما این نکته را هنگام ملاقات ژنو، باکمال صراحت به پرزیدنت ریگان خاطر نشان ساختیم.

مرحله دوم: در این مرحله، که نباید دیرتر از ۱۹۹۱ آغاز شود و پنج تا هفت سال را در بر می‌گیرد، سایر قدرتهای هسته‌ای به خلع سلاح هسته‌ای می‌پیوندند. آنها به عنوان شروع، متعهد خواهند شد کلیه سلاحهای هسته‌ای خود را در سطح موجود نگه داشته و هیچگونه سلاح هسته‌ای در قلمرو سایر کشورها نداشته باشند.

ا.ج.ش.س و ایالات متحده آمریکا در این مرحله کاهش ۵۰ درصد از سلاحهای در مرحله نخست توافق کرده‌اند، ادامه می‌دهند. آنها همچنین اقدامات دیگری برای محو سلاحهای هسته‌ای میان برد خود انجام داده و جنگ افزارهای هسته‌ای تاکتیکی خود را در سطح موجود نگه می‌دارند.

پس از آنکه ا.ج.ش.س و ایالات متحده آمریکا، کاهش ۵۰ درصد از سلاحهای مشابه خود را در مرحله دوم به پایان رسانند، کاملاً بنیادین دیگری برداشته می‌شود. همه قدرتهای هسته‌ای، سلاحهای هسته‌ای تاکتیکی را از بین می‌برند، یعنی جنگ افزارهایی با برد (شعاع عمل) حداکثر ۱۰۰۰ کیلومتر.

در همین مرحله، می‌بایستی توافق شوروی - آمریکا درباره ممنوعیت سلاحهای تهاجمی فضایی، چند جانبه گردد و قدرتهای صنعتی تر از اول حتماً بدین بپیوندند. همه قدرتهای هسته‌ای، آزمایش سلاحهای هسته‌ای را متوقف خواهند ساخت. تولید

نابودی ذخایر موجود این سلاحها، همانگونه که قرار آن در ژنو با برزیدنت رونالد ریگان گذاشته شد، موافقم.

در رابطه با ممنوعیت سلاحهای شیمیایی نیز مانند همه مسائل دیگر خلع سلاح، لازم است همه شرکت کنندگان در مذاکرات به دیدگاه نوینی دست یابند. می‌خواهم با قاطعیت تمام تاکید کنم اتحاد شوروی خواهان محوری و کامل این سلاحها و حتی مبنای صنعتی تولید آنهاست. ما آماده ایم. به موقع، نام کارخانجات تولید سلاحهای شیمیایی را مطرح و تولید آنها را متوقف سازیم، تدوین هیاهای نابودی تأسیسات مربوطه را آغاز کنیم و به فاصله کوتاهی پس از آغاز مدت اعتبار قرارداد، نابودی ذخایر سلاحهای شیمیایی را نیز شروع نماییم. این همه، با کنترل دقیق، و از جمله نظارت بین المللی در محل، انجام خواهد گرفت.

برخی گامهای میانی نیز به حل ریشه ای مسئله کمک خواهد کرد. مثلا می‌توان بر مبنای چند جانبه، در مورد عدم تحویل سلاحهای شیمیایی به هر کس و عدم استقرار آن در خاک دیگر کشورها، به توافق رسید. تا آنجا که به اتحاد شوروی مربوط است، این کشور در سیاست عملی خود همیشه از این اصول پیروی کرده است. ما دیگر دولت‌ها را فراموش نمی‌کنیم از این سرمشق پیروی نموده و به همین ترتیب، از خود خویشتن‌داری نشان دهیم.

۵

اتحاد شوروی پیشنهاد می‌کند علاوه بر زردن زرادخانه دولتها از سلاحهای نابودی جمعی، سلاحها و نیروهای مسلح سنتی نیز موضوع کاهش های مورد توافق قرار گیرد.

نقطه شروع حرکتی در این جهت، می‌تواند توافقی در مذاکرات وین باشد. اینک می‌توان گفت رئیس یک تصمیم احتمالی در باره کاهش نیروهای شوروی و آمریکایی و سپس تکه داشتن شمار نیروهای گروه‌بندیهای -رو در رو در اروپای مرکزی، قابل ترسیم است. اتحاد شوروی و متحدین ما در پیمان ورشو مصممند در مذاکرات وین به موفقیت دست یابند. از طرف مقابل نیز واقعا خواهد، سال ۱۹۸۶ می‌تواند نقطه عطفی برای مذاکرات وین نیز باشد. ما بر آنیم که توافق احتمالی در باره کاهش نیروها طبق نیازمند کنترل معقولی است. ما برای آن آماده ایم آنچه مربوط به رعایت تعهد در باره منجمد کردن سطح نیروها است، می‌توان علاوه بر وسایل فنی هر کشور، نقاط کنترل دائمی ای ایجاد کرد که بر انتقال هر واحد نیروهای مسلح به حوزه مورد نظر، نظارت داشته باشند. حال به نظر می‌آید اقدامات ایجاد اعتماد و خلع سلاح در اروپا که یک منجمد مهم در استحکام است، بهر دایم. این کنفرانس، هدف جلوگیری از اعمال قهر و یا تدارک پوشیده جنگ -چه بر روی زمین، چه در آبیها و چه در هوا- را دنبال می‌کند. امکاناتی در این زمینه دیده می‌شود.

به نظر ما باید، به ویژه در وضعیت امروز، شمار نیروهای مسلح شرکت کننده در مانورهای بزرگ کاهش یابد و برگزاری این تمرینات، طبق سند پایانی هلسینکی، از قبل اعلام گردد.

وقت آن رسیده که در این کنفرانس به مسائل حل نشده نیز بگونه ای موثر پرداخته شود. همه می‌دانند که نکته گری در آنچه، مسئله اعلام مانورهای بزرگ نیروهای زمینی، دریایی و هوایی از پیش است. طبعاً این یک مسئله جدی است که باید بطور ریشه ای و مطابق با ضرورت تعمیق اعتماد در اروپا حل شود.

اما اگر فعلا مجموعه این مسائل ممکن نباشد، چرا نباید راه حل های میانی را جستجو کرد؟ مسئله می‌تواند هم اینکه در باره اعلام مانورهای بزرگ نیروهای زمینی و هوایی مذاکره کرد و مسئله فعالیت‌های نظامی در دربارا به مرحله بعدی کنفرانس موکول نمود.

این امر به هیچ عنوان تصادفی نیست که بخش قابل توجهی از ابتکارات جدید شوروی بطور مستقیم متوجه اروپاست. در چرخش اساسی به سوی سیاست صلح، اروپا می‌تواند رسالت ویژه‌ای عهده‌دار شود. این رسالت ویژه را آن است که ساختمان تشنج زدایی ایجاد شود.

اروپا بدین منظور دارای تجربه تاریخی ضروری پیماندی است. کافی است بباد آوری که قطعنامه پایانی هلسینکی از طریق تلاشهای مشترک اروپایی‌ها، ایالات متحده آمریکا و کانادا تحقق یافت. این سند تاریخی از بسیاری جهات می‌تواند بعنوان نمونه طرز فکر و روان شناسی سیاسی جدید در برخورد به مسائل صلح، همکاری و اعتماد بین المللی تلقی گردد.

۶

برای اتحاد شوروی به مثابه یکی از بزرگترین قدرتهای آسیایی، تضمین امنیت در آسیا اهمیت حیاتی دارد. برنامه شوروی برای محور سلاحهای هسته ای و شیمیایی تا پایان این قرن، پاسخگوی امیدهای خلقهای قاره آسیاست. برای این خلقها، مسائل صلح و امنیت کم اهمیت تر از امنیت آن برای خلقهای اروپا نیست. باید به یاد آورد که شهرهای میروشیما و ناگاناکا ژاپن قربانی بمب اتمی شدند و ویتنام به عرصه استفاده از سلاحهای شیمیایی تبدیل گردید.

ما برای ابتکارات سازنده کشورهای سوسیالیستی آسیا، هند و سایر دولتهای جنبش عدم تعهد ارزش زیادی قائلیم. ما همچنین این نکته را که دودرت هسته ای قاره آسیا، یعنی ا. ج. ش. س و جمهوری توده ای چین، متعهد شده اند در استفاده از سلاح های هسته ای پیشدستی نکنند، بسیار مهم ارزیابی می‌کنیم.

تحقیق برنامه ما می‌تواند وضع آسیا را بطور اساسی تغییر دهد، در این بخش از کره زمین نیز خلقها را از وحشت تهدید هسته ای و شیمیایی برهانند و امنیت این منطقه را به صلح کیفانویی ارتقا دهند.

ما برنامه خود را کوشی در جهت جستجوی مشترک شیوه برخورد همه جانبه و فراگیر به ایجاد یک سیستم صلح پایدار اذائی در این قاره به اتفاق همه کشورهای آسیا می‌دانیم.

۷

پیشنهادهای جدید ما خطاب به سراسر جهان است. کلا به اقدامات عملی در جهت قطع مسابقه تسلیحاتی و کاهش تسلیحات، شرط اجتناب ناپذیر حل یک رشته مسائل جهانی بقیه در صفحه ۱۵

انفجارهای هسته ای را متوقف سازد. واشنگتن این کار را تاکنون علیرغم اعتراضات و مطالبات افکار عمومی و خواست اکثر دولتهای جهان نکرده است. طرف آمریکایی، با انفجار بمبهای هسته ای باز هم بیشتری، تلاش برای تحقق رویای تحقق نیافتنی برتری نظامی را ادامه می‌دهد. این، یک سیاست بی ثمر و خطرناک است، سیاستی که در شان درجه ای از تمدن که جامعه نوین بدان رسیده، نیست.

طرف شوروی با توجه به عدم واکنش مثبت ایالات متحده آمریکا، کاملاً حق داشت از همان اول ژانویه ۱۹۸۶ آزمایشهای هسته ای را از سر گیرد. طبق "منطق" معمول مسابقه تسلیحاتی روشن است که می‌بایستی چنین رفتاری می‌کردیم.

اما دقیقاً همین به اصطلاح منطق است که باید بر آن غلبه کرد. ما کوشش دیگری در این جهت می‌کنیم. در غیر اینصورت، روند مسابقه تسلیحاتی به بهیمنی تبدیل می‌شود، زیرا هر گونه کنترل رویدادها غیر ممکن می‌گردد. ما اجازه نداریم مسابقه تسلیحاتی را بعنوان یک قوه قهریه بپذیریم. زیرا این بدان معنا خواهد بود که علیه ندای عقل سلیم، علیه احساس بشری سیانت نفس، عمل کنیم. شیوه برخورد نوین و شجاعانه ای، طرز فکر سیاسی جدیدی و احساس مسئولیت بیشتری در قبال سرشویت خلقها، ضروری است.

حکومت آمریکا بار دیگر فرصت دیگری دارد تا پیشنهادهای ما درباره قطع انفجارهای هسته ای را سنجیده و بدان پاسخ مثبت دهد. تمام جهان همین واکنش را از واشنگتن انتظار دارد. اتحاد شوروی، رئیس جمهوری و کنکره ایالات متحده آمریکا، و مردم آمریکا را خطاب قرار می‌دهد. امکان متوقف ساختن روند تکامل سلاحهای هسته ای و تولید سلاحهای جدید هسته ای وجود دارد. نباید این امکان را بلا استفاده گذاشت. پیشنهادهای شوروی، ا. ج. ش. س و ایالات متحده آمریکا را در وضع برابری قرار داده و فاقد هر گونه تلاشی برای قریب دادن یا امتیاز قائل شدن برای یک طرف است. ما پیشنهاد می‌کنیم راه تصمیمات عقلایی و مسئولانه در پیش گرفته شود.

۴

برای تحقق برنامه ای به منظور کاهش و محور زرادخانه های هسته ای، لازم است کلیت سیستم موجود مذاکرات به راه افتاده و میزان حداکثر اثر بخشی مکانیزم خلع سلاح تأمین گردد.

این روزها در ژنو، مذاکرات شوروی - آمریکا درباره سلاحهای هسته ای، فضایی از سر گرفته می‌شود. هنگام ملاقات با برزیدنت ر. ریگان در نوامبر سال گذشته در ژنو، گفتگوی صریحی در باره مجموعه مسائل مطروحه در این مذاکرات، یعنی درباره کپیهای سلاحهای تهاجمی استراتژیک، و سلاحهای هسته ای میان برد داشتیم. قرار بر این شد که مذاکرات تسریع شود. این قرار نباید در حد حرف باقی بماند.

مباحث شوروی با این مأموریت به ژنو می‌رود که در تصابق کامل با این توافق عمل کند. ما از طرف آمریکایی انتظار چنین برخورد سازنده ای به ویژه در مورد کپیهای داریم. فضا باید در صلح بماند. نباید سلاحهای تهاجمی به آتجا راه یابد. چنین سلاحهایی را حتی نباید تولید کرد. و بگذار تا بدین منظور، سخت ترین کنترل اعمال کرد. از جمله گشایش آزمایشگاههای مربوط به بازرسی.

بشریت در مرحله حساسی از عصر جدید قرار دارد. اینک وقت آن است که خود را در طرز فکر به سبک عصر حجر آزاد سازیم. طرز فکری که مهمترین مسئله آن، مسلح شدن به چاق بزرگتر و سنگ سنگین تر بود. ما با سلاحهای فضایی مخالفیم. پتانسیل مادی و معنوی موجود به اتحاد شوروی امکان می‌دهد هر گونه سلاحی که ما را به ساختن آن وادار سازند، تولید کند. اما ما مسئولیت خود در قبال نسل حاضر و نسل های آتی را در همه ابعاد آن در می‌یابیم. به اعتقاد ما، باید هزاره سوم را نه با برنامه "جنگ ستارگان" که با طرحهای بزرگ مقیاس استفاده صلح آمیز از فضا با نیروی همه بشریت، آغاز کنیم. ما پیشنهاد می‌کنیم چنین طرحهایی به عمل درآید و تحقق یابد. این، یکی از مهمترین راههای تأمین پیشرفت بر روی سیاره ها و ایجاد یک نظام مطمئن امنیت برای همه است.

جلوگیری از گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضا، همچنین به معنای بر طرف کردن موازنه راه کاهش سلاحهای هسته ای است. روی میز مذاکرات ژنو، پیشنهاد شوروی در مورد کاهش سلاحهای هسته ای مشابه ا. ج. ش. س و ایالات متحده آمریکا تا نصف، قرار دارد، امری که گامی مهم در راه محور کاهش سلاحهای هسته ای است. مسدود کردن راه حل مسئله فضا به معنای نخوابتن قطع مسابقه تسلیحاتی بر روی زمین است. این را، باید کاملاً مستقیم، و بگونه ای که همه بشنوند، بیان نمود. تصادفی نیست که طرف ایران مسابقه تسلیحاتی هسته ای، مدافعیین پر شور برنامه "جنگ ستارگان" نیز هستند. این هر دو، در وجهی سیاست واحد و بشری است.

اینک به وجه اروپایی مسئله سلاحهای هسته ای می‌رسیم. این واقعیت که علیرغم عقل سلیم بشری، علیرغم منافع ملی خلقهای اروپا، در برخی کشورهای اروپای غربی استقرار موشکهای ضربه اول آمریکا ادامه دارد، نگرانی فوق العاده ای بر می‌انگیزد. این مسئله سالیانست که مطرح است. در این فاصله، شرایط امنیت در اروپا هر چه بدتر و بدتر می‌شود.

وقت آن رسیده که این روند رویدادها متوقف شده و این گره کور باز شود. اتحاد شوروی مدت‌هاست پیشنهاد می‌کند که اروپا از سلاحهای هسته ای، چه میان برد و چه تاکتیکی، آزاد شود. این پیشنهاد به قوت خود باقی است. به عنوان نخستین گام بنیادین در این جهت، ما اینک همچنین پیشنهاد می‌کنیم - همانگونه که گفتیم - در همین نخستین مرحله برنامه ارائه شده، ما همه موشکهای بالستیک و بالدار. ا. ج. ش. س و ایالات متحده آمریکا در حوزه اروپا از بین ببرند.

نیل به نتایج عملی و ملموس در مذاکرات ژنو بدین معناست که برنامه پیشنهادی ما برای محور کامل سلاحهای هسته ای تا سال ۲۰۰۰، مادیت یابد.

۸

اتحاد شوروی این هدف را کاملاً واقعی می‌پندد که در همین قرن، سلاح نابودی جمعی و حشیانه دیگری، یعنی سلاح شیمیایی نیز کاملاً نابود شود.

در مذاکرات پیرامون سلاحهای شیمیایی که در چارچوب کنفرانس خلع سلاح ژنو انجام می‌پذیرد، در دوره اخیر حرکت معینی به پیش دیده می‌شود. اما باز هم این مذاکرات بگونه ای توجیه ناپذیر بطول انجامیده است. ما با تسریع مذاکرات درباره اعتقاد یک قرارداد موثر و قابل کنترل بین المللی پیرامون ممنوعیت سلاحهای شیمیایی و

مصاحبه "اکثريت" با

رفیق جیمز استیل، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست آمریکا



مردم پیروز خواهند شد

چندی پیش، خبرنگار "اکثريت" امکان یافت با رفیق جیمز استیل، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا مصاحبه ای انجام دهد. رفیق استیل، در یک خانواده کارگری چشم به جهان گشود. وی از همان اوان از نزدیک شاهد مبارزات کارگران چرم سازی و اعتصابات آنها بود. رفیق استیل در گذشته صدراعظمی جوانان کمونیست ایالات متحده بود و در جریان دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو، ریاست هیئت نمایندگی آمریکا را بر عهده داشت. ما ضمن تشکر از رفیق، بخشهایی از مصاحبه با ایشان را از نظر خوانندگان، "اکثريت" می گذرانیم.

چشم انداز شکست ریگانیسم

* رفیق استیل، شما موقعیت جنبش طبقه کارگر و جنبش توده ای در ایالات متحده را در حال حاضر چگونه ارزیابی می کنید؟

* کجاست می کنم موقعیتی که طبقه کارگر با آن روبرو است، موقعیت بسیار پیچیده ای است. طبقه کارگر بایک رشته سایل نوین در عرصه اقتصادی و سیاسی مواجه است. اما خوشبختانه، جنبش طبقه کارگر و همه جنبشهای اساسی توده ای، اوج شگرفی یافته اند. اتحادیه ها فعال تر می شوند، و دلیل این امر، موج اعتصابی است که در سراسر کشور بر پا می شود. مبارزات، بسیار چشمگیر است. اعتصابات رزمجویانه ای را می بینیم که عموماً دراز مدت اند. این اعتصابات، نه تنها یک کمپانی معین، بلکه همچنین بانکها - که عموماً شرکتها را در کنترل خود دارند - و اتحاد معینی نیز دولت ریگان و سیاستهای ضد اتحادیه ای آن را هدف گرفته است. جنبشهای توده ای حول یک سلسله مسائل نیز در حال رشدند. مهمترین آنها عبارتند از پیکار برای خلع سلاح، همبستگی با مبارزه ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی و نیز مسائل آمریکای مرکزی. آگاهی از اوضاع خاورمیانه، به سطح نوینی ارتقا یافته است. تمامی این مبارزات، در کنار عامل جدیدی در معادلات سیاسی، صورت می پذیرند، که عبارت است از افول ریگانیسم. دولت ریگان با دشواریهای تازه بسیار زیادی روبرو است. شور و شوقی که از انتخاب مجدد رئیس جمهور به محافل ماورا راست دست داد، فرو نشسته و محو گردیده است. هم اکنون، برای دولت مسایل جدیدی پدید آمده، زیرا سیاستهای آن با واقعیات انطباق ندارد. هر چه دولت بیشتر در اعمال سیاستهای افراطی و غیر واقع بینانه پیش می رود، شمار بیشتری از مردم به مبارزه علیه این سیاستها رو می آورند. این روند اینک به مرحله تازه ای وارد شده است. همچنین، بسیاری از محافل سیاسی از هم اکنون

به انتخابات میان دوره ای سال بعد می اندیشند. حتی برخی نامزدهای انتخاباتی جمهوریخواه نیز در جستجوی فاصله گرفتن از سیاستهای ریگان هستند و در برخی موارد به صف مخالفین این سیاستها می پیوندند. این امر به ویژه در مورد خلع سلاح و آفریقای جنوبی صادق است. سیاست اقتصادی ریگان نیز کار آبی ندارد، و در نتیجه، در درون دولت و کل محافل طبقه حاکم، بر سر چگونگی حل مهمترین مسائل، اختلافات زیادی موجود است. ایالات متحده در حال تبدیل شدن به کشوری با بیشترین رقم فروش خارجی در جهان است. اقتصاد آمریکا از کسری موازنه پرداختها، کسری واردات و غیره، رنج می برد. و دولت، حتی برای یکی از این مسائل، پاسخی که موثر بیفتد ندارد. سیاست نظامی خام اندیشانه ریگان نیز به این روند نزولی یاری می رساند. نیروهای فزاینده ای، این سیاست را یک سیاست خطرناک رویارویی می دانند که پاسخی به ضرورت قطع مسابقه تسلیحاتی نمی دهد. ما در کشور خود جمله معروفی داریم که به آبراهام لینکلن رئیس جمهور قرن پیشین ایالات متحده مربوط می شود. او می گفت: "می توان برخی از مردم را برخی از اوقات، و برخی از مردم را همیشه فریب داد، اما نمی توان همه مردم را همیشه فریب داد." به کمان من، این حکم اکنون به واقعیت تبدیل می شود و طبقه کارگر را در آستانه یک نبرد به تمام معنا قرار می دهد. طبقه کارگر و جنبشهای توده ای، فرصت می یابند گامهایی در جهت تسریع روند نزولی ریگانیسم و فراهم آوردن شرایط شکست آن بردارند. اکنون حزب کمونیست در برابر این وظیفه قرار گرفته که نه تنها پاسخی برای این معضلات بیابد، بلکه همچنین با شرکت در جنبشهای توده ای و سازماندهی و هدایت مبارزه، تانکیکهایی را بکار گیرد که به امر منسجم شدن این جنبش گسترده و تمرکز نیروی آن بر روی مسائل اصلی مطرحه در این زمینه ها، یاری رساند.

* نظر شما درباره جنگ ایران و عراق، سیاست امپریالیسم و نقش ایالات متحده در ادامه این جنگ چیست؟

* این جنگ، تراژدی بزرگی است که بگونه ای باور نکردنی، تداوم یافته است. آغاز جنگ از سوی دولت عراق، حرکتی تجارزگانه و نوعی خوش خدمتی به دشمنان مردم ایران و عراق بود. امروز پس از پنج سال که این جنگ ادامه دارد، نبردهای آن یادآور کشتارهای جنگ جهانی اول است. پیوسته خبر از ارقام عظیم تلفات می رسد. برای چه مطمئناً این جنگ، به دستاوردهای مردم ایران که شاه راسر نگون کردند، به پیشرفت ایران در عرصه های اجتماعی و تحولات دمکراتیک و ضد امپریالیستی لطمه زده است. در ایران جنگ را وسیله ای برای تحت فشار گذاشتن و سرکوب نیروهای مترقی قرار داده اند. جنگ در عین حال، برای مرتجعین و ناپیشتیهای عراقی راه چاره و توجیهی شد که بتوانند به کمک آن، اذهان مردم را از مبارزه در راه ترقی اجتماعی منحرف سازند. در عراق نیز جنگ به مواضع نیروهای مترقی و دمکراتیک لطمه زده است.

هیچیک از دو کشور دارای سناییم نظامی نیستند. در نتیجه، نیروهایی که در عرصه بین المللی از مسابقه تسلیحاتی سود می برند، از قبل جنگ ایران و عراق مبالغ هنگفتی به جیب می زنند.

به گمان من، تا وقتی این جنگ ادامه دارد، کل جنبش رهایی بخش منطقه خلیج فارس قادر به پیشروی نیست. و از آنجا که امکان اختلال و وقفه در جریان نفت نیز وجود دارد، امپریالیسم آمریکا همچنین می تواند آن را بهانه حضور ناوگان ایالات متحده در خلیج فارس قرار دهد. اگر جنگ نباشد، برای این کار هیچ بهانه

و توجیهی وجود نخواهد داشت، و برای مردم آمریکا روشن می شود که حضور ناوگان ایالات متحده در این منطقه دارای مقاصد صرفاً تجارزگانه است و پس، با ادامه جنگ، انسانهای بیشتری قربانی می شوند از سرعت پیشرفت جنبش برای دمکراسی و ترقی در خلیج فارس و کشورهای عربی کاسته می شود که علاوه بر آن، ایالات متحده امکان خواهد یافت که ناوگانش را در آنجا نگه دارد. این ناوگان، یک اداره شناور پنتاگون است.

اینها وقایع ناگواری است، اما من اطمینان دارم که موقتی خواهد بود. مردم ایران، با آن شهادت فراوانشان و پیروزی عظیمشان در سرنگونی شاه، با آن ضربه باور نکردنی شان به امپریالیسم آمریکا، بار دیگر راه غلبه بر مشکلات را یافته و به یاری نیروهای انقلابی خود، اهداف ضد امپریالیستی و انقلابیشان را تحقق خواهند بخشید.

* از سوی "اکثريت"، نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در خارج از کشور، از شما تشکر می کنیم. در پایان، اگر پیامی برای مردم ایران، فدائیان و همه کمونیستهای ایران دارید، از شنیدن آن خوشحال خواهیم شد.

* برای همه آنها آرزوی موفقیت کرده و درودهای انترناسیونالیستی خود را نثارشان می کنم. ما در آمریکا واقفیم که باید تلاش زیادی در حمایت و پشتیبانی از اهداف دمکراتیک و ضد امپریالیستی مبارزات مردم ایران به عمل آوریم. ما از اهمیت رویدادهای ایران آگاهیم. ما بار دیگر اطمینان و امید خود را به حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ابراز می داریم. مردم ایران و طبقه کارگر ایران پیروز خواهند شد. من اطمینان دارم که راه، هر چه دشوار باشد طی شدنی است.

واکنش جهانی طرح خلع سلاح اتحاد شوروی

برنامه سه مرحله ای اتحاد شوروی برای محو همه سلاحهای هسته ای تا سال ۲۰۰۰ در سراسر جهان مورد توجه ویژه ای قرار گرفت. واکنش هایی که در کشورهای گوناگون، نسبت به بیانیه میخائیل گارباجف ابراز گردید، بیانگر آن است که ابتکار تازه اتحاد شوروی، از یک سو امید تازه ای به پیشرفت در زمینه خلع سلاح و صلح در دل مردم جهان را برانگیخته و از سوی دیگر، محافل تجاوزکار امپریالیستی را به لحاظ سیاسی در موضع دفاعی و عقب نشینی قرار داده است. گوشه ای از این واکنش ها از این قرارند:

— ریگان رئیس جمهور آمریکا ناچار شد اعلام نماید پیشنهادهای شوروی مورد "بررسی دقیق" قرار خواهد گرفت. شولتز وزیر خارجه این کشور مدعی گردید این طرح حاوی "دامها و مسائل" است.

— پرهز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد از بیانیه مهم اتحاد شوروی قدردانی نمود.

— شرکت کنندگان در "کنفره روشنفکران برای دفاع از آینده صلح آمیز جهان" که در ورشو برگزار شد، از ابتکار شوروی استقبال کردند.

— راجیو گاندی نخست وزیر هند برنامه پیشنهادی را "سیار امیدوارکننده و مثبت" خواند و گفت: "امیدواریم پاسخ آن هم به همین گونه مثبت باشد."

— الاف پالمه نخست وزیر سوئد از تعدید موراتوریوم انفجارهای هسته ای شوروی استقبال نمود.

— دولت فرانسه اعلام کرد پیشنهادهای خلع سلاح گارباجف را مورد بررسی قرار خواهد داد.

وزارت خارجه بریتانیا نیز موضع مشابهی اتخاذ نمود.

— دولت هلند ابتکار شوروی را تمجید کرده و با آن اعلام موافقت نمود.

— غام وان دونگ، نخست وزیر ویتنام گفت برنامه همه جانبه شوروی امکان تاریخی تحقق خواست بشریت این قرن مینویسد. صلحی پایدار را فراهم می سازد.

— دولت بلژیک خاطر نشان ساخت با امحا تدریجی سلاحهای هسته ای موافق است.

— تانزانیا از اینکه بیانیه گارباجف ایده ها و پیشنهادهای اصلی شش کشور تانزانیا، هند، یونان، سوئد، مکزیک و آرژانتین را در بر می گیرد، ابراز رضایت نمود.

— حزب کارگر بریتانیا خواستار از سرگیری مذاکرات سه جانبه شوروی-آمریکا-بریتانیا با هدف ممنوعیت آزمایشهای هسته ای و انجام مذاکرات دو جانبه شوروی-بریتانیا در مورد مسائل مربوط به سلاحهای هسته ای انگلیس گردید.

نا آرامی در

جمهوری دموکراتیک خلق یمن

هفته گذشته عدن پایتخت جمهوری دموکراتیک خلق یمن شاهد زرد خوردهای سختی بود. خبرگزاریها گزارش دادند بدنبال اقدامی در جهت برکناری علی ناصر محمد رهبر یمن دموکراتیک، میان نیروهای طرفدار و مخالف وی درگیریهایی مسلحانه روی داده است. بر اثر این درگیریها، ارتباط عدن با جهان خارج قطع گردید. در طول هفته، گزارشهای ضد و نقیضی از اوضاع این کشور منتشر شد. خبر اعدام عبدالفتاح اسماعیل، رئیس جمهور پیشین، علی احمد ناصر، معاون صدر هیئت رئیسه شورای عالی خلق و دو تن دیگر از اعضای رهبری حزب سوسیالیست یمن به اتهام توطئه کودتا بعداً تکذیب گردید. در حالیکه رادیو عدن چهارشنبه گذشته خبر داد که نیروهای

برنامه اتحاد شوروی برای محو کامل سلاحهای هسته ای • • • بقیه از صفحه ۱۳

نیز هست، مسائلی که هر روز حدت بیشتری می یابند، نابودی محیط زیست انسان، ضرورت جستجوی منابع جدید انرژی، مبارزه علیه عقب ماندگی اقتصادی، گرسنگی و بیماریها، اصل تحمیل شده از سوی امپریالیسم مبنی بر "تسلیم به جای رشد" باید جای خود را به اصل "خلع سلاح برای رشد" بدهد.

قروش صدها میلیاردی که اینک کربان دهم کشور و قاره های کامل را گرفته، نتیجه مستقیم سابقه تسلیحاتی است. مبلغ بیش از ۲۵۰ میلیارد دلاری که همه ساله از کشورهای رشد یابنده بیرون می کشند، تقریباً برابر با بودجه تسلیحاتی عظیم ایالات متحده آمریکا است. در اساس، این برابری به هیچ وجه تصادفی نیست.

اتحاد شوروی بر آن است که هر اقدامی در جهت محدود ساختن و کاهش تسلیحات و هر گامی در راه محو سلاحهای هسته ای، نه تنها به خلقها امنیت بیشتری می دهد، بلکه این امکان را نیز فراهم می سازد که مبالغ بیشتری صرف بهبود شرایط زندگی انسانها گردد. تصادفی نیست که خلقهایی که می خواهند بر عقب ماندگی فائق آمده، به صلح کشورهای پیشرفته صنعتی برسند، چشم اندازهای رهایی خود را از اسارت و امهایی که اقتصادشان را مختل می سازد، با محدود کردن و محو تسلیحات، با کاهش هزینه های تسلیحاتی و تجدید نظر در توزیع منابع مالی به سود اهداف رشد اجتماعی و اقتصادی، در ارتباط می بینند. این موضوع بدون شک در جریان کنفرانس بین المللی درباره خلع سلاح و رشد که تابستان آینده در پاریس برگزار خواهد شد، جای مهمی به خود اختصاص خواهد داد.

اتحاد شوروی مخالف آن است که تحقق اقدامات خلع سلاح، تابع به اصطلاح بحرانیهای منطقه ای گردد. در پشت این تلاش، بی میلی به پیمودن راه خلع سلاح و کوشش برای تحمیل اراده بیگانه و نظامهای معینی به خلقهای مستقل نهفته است. نظامهایی که حفظ شرایط به کلی غیر عادلانه ادامه حیات کشورها از قبل کشورهای دیگر، استثمار مردم این کشورها و بهره گیری از منابع طبیعی، انسانی و معنوی شان برای اهداف خودخواهانه و کشور گشایانه دولتها و گروه بندیهای تجاوزکار را امکان پذیر می سازد. اتحاد شوروی همواره با این تلاش مخالفت ورزیده و خواهد ورزید. اتحاد شوروی مدافع پیگیر آزادی خلقها، صلح، امنیت و تحکیم نظام حقوقی بین المللی بوده و خواهد بود. هدف اتحاد شوروی آن است که به بحرانیهای منطقه ای دامن زده نشود، بلکه این بحرانیها را چه زودتر از طریق تلاشهای جمعی و بر مبنای عادلانه، بر طرف گردد.

در این روزها ما از بابت ابراز وفاداری به امر صلح کمبودی نداریم. اما آنچه کمبودش احساس می شود، اقدامات مشخص برای تحکیم پایه های صلح است. در بسیاری

دولتی اوضاع را تحت کنترل دارند و اکثر شرکت کنندگان در کودتا دستگیر شده اند، خبرگزاری شوروی تاس دو روز بعد گزارش داد وضع در پایتخت جمهوری دموکراتیک خلق یمن همچنان متشنج است. در گزارش تاس آمده است طرفین در مورد برقراری آتش بس توافق کرده اند، اما این توافق رعایت نمی شود. در روز شنبه خبرگزاریها گزارش دادند نبردهای سخت در عدن بار دیگر از سر گرفته شده است. شایعات مربوط به کشته شدن علی ناصر محمد دبیر کل حزب سوسیالیست و رئیس جمهوری دموکراتیک خلق یمن با ایراد سفرانی توسط وی در تلویزیون کشور تکذیب گردید.

تحریكات متحدین لبنانی اسرائیل

پنجشنبه گذشته، نبردهای سخت توپخانه ای مناطق شرق بیروت را فرا گرفت. به گزارش رادیوهای لبنان، این نبردها میان شبه نظامیان راستگرا از یک سو، و نیروهای ملی از سوی دیگر، تا کنون ۲۰۰ قربانی گرفته است.

نقشه شروع زرد خوردها درگیریهای داخلی میان مسیحیان مارونی بود. نیروهای ماوراء راسط مارونی به سرکردگی سیر جع جع رئیس ستاد شبه نظامیان فلائز که در لبنان به نزدیکی با اسرائیل مشهور است، ملی یک شبه کودتا، ایلی حبیقه فرمانده شبه نظامیان حزب کتائب (فلائز) را برکنار و اداره خروج از کشور کردند. ایلی حبیقه که خود به اتفاق سیر جع جع چند ماه پیش علیه رهبران نسبتا میانه روی حزب فلائز به علت تمایل آنها به توافق با نیروهای ملی لبنان کودتا کرده بود، اخیراً به توافق با جنبش امل و حزب سوسیالیست ترقیخواه در مورد پایان دادن به جنگ داخلی تن داد و حاضر شد پای قرارداد دمشق را امضا کند. این اقدام حبیقه، مورد مخالفت سیر جع جع رئیس ستاد او قرار گرفت. نیروهای فلائز اینک عمدتاً تحت فرماندهی جع جع قرار دارند.

موارد، در ورای واژه های صلح دوستانه، سیاستی متوجه تدارک جنگ و از موضع قدرت، نهفته است. از این هم فراتر، از تریبوتهای مهم اظهاراتی شنیده می شود که اساساً متوجه نا پدید کردن چیزی است که امروز مناسبات بین المللی را تحت تاثیر مثبت قرار داده، یعنی "روح ژنو". این امر تنها به اظهارات محدود نمی شود. اقداماتی صورت می گیرد که باور آشکار، هدف دامن زدن به خصومت و عدم اعتماد و احیای وجه متضاد تشنج ژدایی، یعنی جروپوری را دنبال می کنند.

ما چنین رفتار و طرز فکری را رد می کنیم. ما خواستار آنیم که سال ۱۹۸۶ صرفاً به عنوان یک سال صلح آمیز ثبت نگردد، بلکه همچنین این امکان را ایجاد کند که قرن بیستم با نشانی از صلح و خلع سلاح به پایان رسد. مجموعه ابتکارات سیاست خارجی ما این هدف را دنبال می کند که بشریت در زیر آسمانی صلح آمیز و با فضای کیهانی صلح آمیزی قدم به سال ۲۰۰۰ بگذارد، هراسی از خطر نابودی هسته ای، شیمیایی و غیره نداشته باشد و اطمینان راسخی به بقای خود، به بقای نسل انسان بیابد.

اقدامات مصممانه ای که اتحاد شوروی اینک برای حفظ صلح و سالم سازی کل اوضاع بین المللی انجام می دهد، بیانگر ماهیت و روح سیاست داخلی و خارجی ما و به هم آمیختگی ارگانیک این دو است، یعنی همان قانونمندی بنیادین تاریخی که ولادیمیر ایلیچ لنین بر آن تکیه داشت. سراسر جهان می بیند که کشور مادرش صلح، آزادی و بشردوستی را که اکثر بزرگ بر فراز کره زمین برافراشته ساخت، در امتداد آن گام می برد.

وقتی حفظ صلح، حفظ بشریت در برابر خطر یک جنگ هسته ای مطرح است، هیچ کس مجاز نیست در کناری ایستاده و منفعل بماند. این امر به همه و هر کس مربوط است. در اینجا، سهم هر دولت مهم است، خواه بزرگ و خواه کوچک، خواه سوسیالیستی و خواه سرمایه داری. در اینجا سهم هر حزب سیاسی دارای احساس مسئولیت، هر سازمان اجتماعی و تک تک انسانها مهم است.

هیچ وظیفه ای مهمتر، والا تر و انسانی تر از یکپارچه کردن همه تلاشها برای نیل به این هدف عالی نیست. این وظایف را باید انسانهای نسل ما انجام دهند. آنها اجازه ندارند آن را به دوش آیندگان بگذارند. این، حکم زمان است، مسئولیت تاریخی است که در برابر تصمیمات و اقدامات ما در سالهایی که تا آغاز هزاره سوم باقی مانده، قرار دارد.

مشي صلح و خلع سلاح، محور سیاست خارجی ح. ک. ا. ش و دولت شوروی بوده و خواهد بود. اتحاد شوروی، که این مشي را فعالانه دنبال می کند، موافق همکاری همه جانبه با همه کسانی است که با عقل سلیم، حسن نیت و احساس مسئولیت در قبال آینده بشریت، آینده ای بدون جنگ و بدون تسلیحات، عمل می کنند.

زبان روسی و مراقبت های امنیتی

مقابله با آن گردیده است. ساواک جمهوری اسلامی نیز خطاب به واحدهای تابعه از جمله دوایر حراست در ارگانهای تولیدی واداری "دستورات مقتضی" را صادر کرد. به تبع آن دوایر حراست، وظایف ناشی از ممنوعیت زبان روسی و "زبانهای مضطرب بلوک شرق" را به انجمنهای اسلامی ابلاغ نمودند. اعضای انجمنهای اسلامی که مزدبگیران ساواک جمهوری اسلامی هستند، موظف شده اند آشنایان به زبانهای رایج در کشورهای سوسیالیستی را "حتی در خارج از محل کارشان" تحت کنترل قرار دهند.

در این صفحه کلیشه یکی از بخشنامه هائی را می بینید که در جهت اجرای این تصمیم صادر شده است. یک سند گویا از یکی از شعبات ساواک جمهوری اسلامی؛

رژیم های ارتجاعی جهان لحظه ای هم نمی توانند بر هراس و نفرت خود از کشورهای سوسیالیستی چیره شوند. برای این رژیم ها هر آن چه که صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم را تداعی کند، آزار دهنده است. حتی کاربرد چنین واژه هایی نیز اعصابشان را متشنج می کند.

رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی در خصوصت ها با کشورهای سوسیالیستی، علاوه بر کاربرد نفرت انگیزترین روشها، کهنکاه به روشهایی نیز متوسل می شود که به همان اندازه مضحک است. یکی از این موارد تصمیم چندی پیش رژیم است که طبق آن حتی دانستن زبانهای رایج در کشورهای سوسیالیستی نیز از جمله جرائم تلقی شده و ساواک جمهوری اسلامی (وزارت اطلاعات) مأمور

سهم زمین خوار در پوشش شرعی "سهم امام"

که "قطعه ۱۲ از پلاک ۲۹۰۴ واقع در بخش ۴ تبریز" به آقای آقازاده بخشیده شده و برای این که قضیه کاملاً شرعی باشد به این بده و بخشش عنوان "سهم امام" را داده است. همچنان که در سند دیده می شود بخش از کیسه خلیفه به دستور ملکوتی، امام جمعه تبریز صورت گرفته است. حدس بزنید جناب آقازاده چقدر به ملکوتی "سهم امام" داده است که این قدر "سهم امام" تحویل گرفته. دستور اکید مبنی بر این که باید به جناب حجت الاسلام آقازاده فوراً اجازه ساختمان داده شود و محدودیتی از نظر زیر بناء برای این حجت الاسلام بر نفوذ در نظر گرفته نشود نشان دهنده آن است که محدودیتهای قانونی اصولاً در رابطه با مردم است که معنی دارد و گرنه از ما بهتران فاقد هر گونه محدودیتی هستند. و آخرین خبر دومورد جناب حجت الاسلام آقازاده اینکه در تبریز گفته می شود تنها سنگ کاری روبنای منزل این حضرت آقا ۷۰۰۰۰۰۰۰ ریال خرج برداشته است.

نجف آقازاده عنصر منفوری است که سرپرست دادگستری کل استان آذربایجان شرقی است. این جناب یک زمین خوار و مستغلات چی زالو صفت است که پست و عنوانش در جمهوری اسلامی میدان فراخی برای سودجویی های او باز کرده است. سندی که در اینجا مشاهده می کنید نمونه ای از بیگوتکی برآورده شدن منافع موجوداتی مثل آقازاده است. آقازاده در شهر تبریز عنصر رسوا و افشا شده ای است. همین چندی پیش که در نماز جمعه تبریز تظاراتی علیه مسئولین دولتی برپا شده بود که خبر آن در تبریز بازتاب وسیعی داشت و از جمله شعارهای تظاهرکنندگان "مرگ بر آقازاده" بود. اما آقازاده تنها نیست. همه مقامات منصوب رژیم از قاضی اوهستند. سند این صفحه علاوه بر تاراجگری مقامات رژیم، بند و بست و همدستی آنان با یکدیگر را نیز نشان می دهد.

مدیر کل اداره زمین شهری آذربایجان شرقی، بر اساس یک بده و بستان، در طی نامه ای به شهرداری تبریز خبر داده است

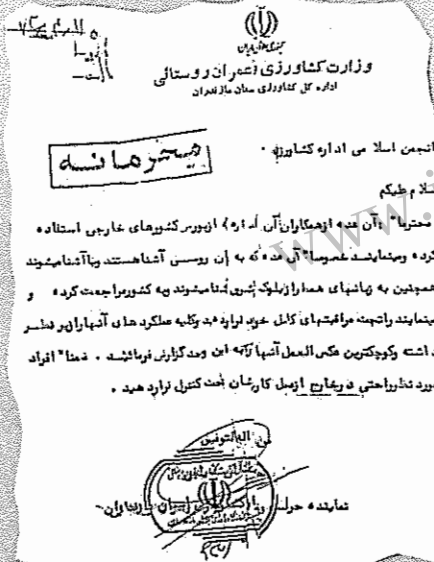
متن سند:

اداره کل زمین شهری آذربایجان شرقی

بسمه تعالی

شهرداری تبریز

سلام علیکم. احتراماً پیرو مذاکره قبلی به استحضار می رسانید که قطعه ۱۲ از پلاک ۲۹۰۴ واقع در بخش ۴ تبریز طبق نقشه پیوست به دستور حضرت آیت الله ملکوتی نماینده امام امت و امام جمعه محترم تبریز به جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای نجف آقازاده به عنوان سهم امام علیه السلام واگذار گردیده خواهشمند است نامه فوق را به عنوان سند واگذاری تلقی و نسبت به صدور پروانه ساختمانی به نامبرده اقدام فرمائید. ضمناً این که در صدور پروانه ساختمانی محدودیت زیر بنا در نظر گرفته نخواهد شد و مراتب بالا از هر نظر از طرف اداره کل پلانهای اعلام می گردد. ۲۲/۵/۶۳ ناصر واثقی مدیر کل اداره زمین شهری آذربایجان شرقی ۶۳/۹/۲



دهید و کلیه عملکردهای آنها را زیر نظر داشته و کوچکترین عکس العمل آنها را به این واحد گزارش فرمائید. ضمناً افراد مورد نظر را حتی در خارج از محل کارشان تحت کنترل قرار دهید. نماینده وزارت کشاورزی استان مازندران

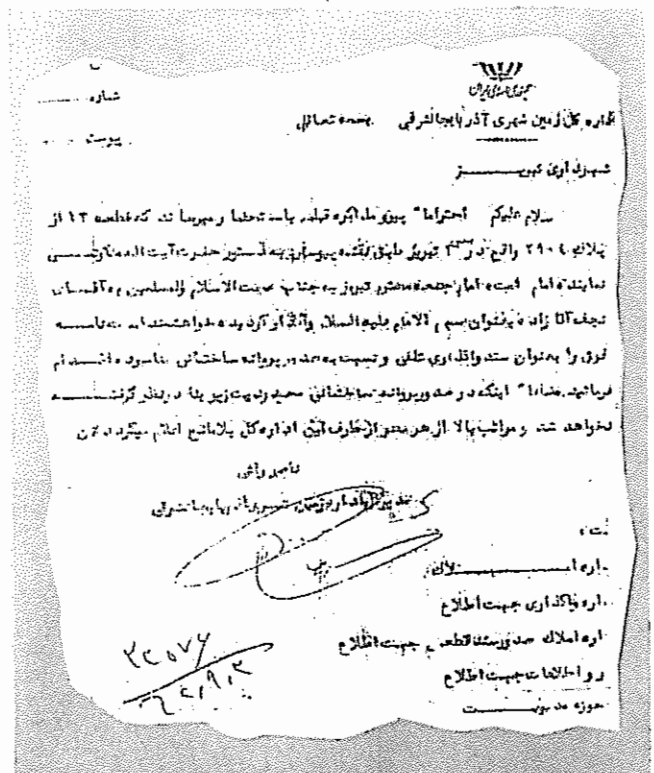
وزارت کشاورزی و عمران روستایی
اداره کل کشاورزی استان مازندران

انجمن اسلامی اداره کشاورزی
محرمانه

تاریخ: ۶۳/۴/۱۱

سلام علیکم

محترماً، آن عده از همکاران آن اداره که از بورس کشورهای خارجی استفاده کرده و می نمایند خصوصاً آن عده که به زبان روسی آشنا هستند و یا آشنا می شوند همچنین به زبانهای مضطرب بلوک شرق آشنا می شوند و به کشور مراجعت کرده و می نمایند را تحت مراقبت های کامل خود قرار



AKSARIYAT
NO. 91
MONDAY JAN 20, 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY